

# بامداد

ماهنامه مرکز آموزشی فرهنگی ایرانیان

# BAMDAD

شماره سه، سال نهمست - فوریه ۲۰۲۶ / بهمن و اسفند ۱۴۰۴



## لاله ها

## سرخ شدند

# تابهار

## از یاد نرود



ماهرضا/عصر

# BEN KARIMI

وام مسکن آسان و سریع برای جامعه فارسی زبان



Recognized Among the Nation's **Top 100** Mortgage Loan Officers

نرخهای رقابتی (Competitive Rates)  
مشاوره رایگان (Free Consultation)  
پروسه سریع و آسان (Fast & Easy Process)  
کمک هزینه خرید خانه (Down Payment Assistant)

**Cell: (916)833-7266**

**TOP RATED MORTGAGE BROKER**



Dream Home Starts Here:  
Pre-Approval in 24 Hours.



NMLS: 2377865





## CATERING



- Weddings
- Corporate Events
- Private Parties
- Meetings
- Luncheon & Galas
- Dinner Parties

Phone: (916) 476-4243

Feb 21 to Mar 21

### BEST DEAL

Fresh Sangak Bread- \$4.99 each



**\$4.99 each**

Hermes Extra Virgin Olive Oil (1 Liter) - \$8.99 each →

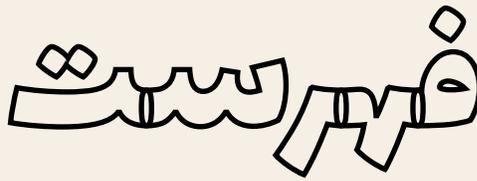


**\$8.99 each**

Damavand Persian Style Plain Whole Milk Yogurt (3 lb) - \$4.99 each



**\$4.99 each**



مرکز آموزشی - فرهنگی  
ایرانیان

به مدیریت محمد گلشنی  
روابط عمومی و مارکتینگ  
آزیتا رحیمپور

صفحه	نویسنده	عنوان
۵	صادق هاتفی	سرمقاله
۶	دکتر بهرام قدیری	ده هزار سال تاریخ ناگفته
۸	دکتر بردیا حریری	راهنمای جامع ادغام اجتماعی، اقتصادی و حرفه‌ای برای مهاجران نسل اول
۱۰	رخند غروی	از دیوارنگاره‌ها تا نگاره‌های دنیای مجازی
۱۳	بامداد	گفتگو با شهرام گلپریان
۲۰	صادق هاتفی	ترانک‌های پارسی
۲۲	ع. م. فریاد	داستان کوتاه گروگان
۲۴	دکتر حسن منصور	سوسیال دموکراسی چیست
۲۸	امید تحسین	اجرای نمایش سوگ سیاوش در ساکرامنتو
۳۲	دکتر مریم مورج	تغذیه و سلامت روان
۳۵	Maryam Movarej PhD, MSc	Nutrition & Mental Well-Being
۳۷	Dr Hassan M. Nejad	Nizari* Ismailis and the Myth of the Assassin

ماهنامه بامداد

سردبیر: صادق هاتفی  
صفحه آرا: رخند غروی

طرح جلد: فاطمه ملک‌افضلی

نقل مطالب با ذکر ماخذ آزاد  
است

تماس با ما

info@radiobamdad.com

(۹۱۶)۹۱۸-۳۰۹۸

۹۰۰ Fulton Ave

Suit 190

Sacramento CA. ۹۵۸۲۵

محتوای مقالات لزوماً بازتاب

دیدگاه رسمی ماهنامه

بامداد نیست.



پژواک محزون صدایی نگران در کوچه‌های شهر می‌پیچد و می‌آید تا این سوی دریاها و دیارها و می‌نشیند در قلب و روح من و ما، سفر می‌کند به گوش ۳۵۰ هزار جان شیفته در لس آنجلس به نیمروز ۱۴ فوریه و آزاد می‌کند فریادهای خفته در گلو را برای آخرین نبرد. شب‌نمی بر چشم‌هایم می‌نشیند و می‌اندیشم حتی پس از آخرین نبرد و سقوط محتوم جمهوری آدمکشان اسلامی، این صدا رهایم نخواهد کرد و تا به آخر با من خواهد بود، این صدا، این تجسم مطلق رنج، این عاشقانهٔ محزون: «سپهر، بابا، کجایی...» کجایی پسرم؟  
سپهر بابا کجایی...؟

فریادی از گلو پدري تنها و معصوم درجست وجوی نوجوانش در میان هزاران کشته و زخمی جنگ جمهوری اسلامی علیه ملت. بازتابی از هزاران فریاد در گلو خفته دیگر

در صفوف مهربان و فشردهٔ هزارها سپهر و هزاران پدر، مادر، خواهر و برادر او در لس آنجلس و ده‌ها شهر دیگر- اندوه جانفرسای درد به خشمی مقدس و فریادی پر دامنه به بلندی آسمان تبدیل می‌شود: «خامنه ای ضحاک، می کشیمت زیر خاک» و پرواز می‌کند تا ایران تا همهٔ خاک وطن و باز می‌گرداند نام‌های ربوده شده را به دانشگاه‌های آریامهر و فرح پهلوی و همراه می‌شود با فریاد نخبه‌ترین جوانان ایران زمین: این آخرین نبرده، پهلوی بر می‌گرده

در گوش من اما همچنان فریادی طنین می‌اندازد، فریادی گویی از ژرفای تاریخ، از سوی نهانند تا ایوان‌های سوختهٔ مدائن و تا خیابان‌ها و کوچه‌های تهران، تا بازار رشت و تا همهٔ فلات و همهٔ جهان: کجایی بابا؟ سپهر پسرم، کجایی بابا؟ کجایی؟



گوشه‌ای از تظاهرات لس آنجلس ۱۴ فوریه ۲۰۲۶- عکس: علیرضا گیلانی



# ده هزار سال تاریخ ناگفته

## تپه سنگ چخماق بسطام

### محوطه‌ایی با ۹۰۰۰ سال قدمت

است. همین موقعیت طبیعی سبب شد که تپه سنگ چخماق به یکی از کانون‌های مهم شکل‌گیری زندگی روستانشینی و کشاورزی اولیه در شمال‌شرق فلات ایران تبدیل شود.

بر اساس داده‌های باستان‌شناسی و تاریخ‌گذاری‌های انجام‌شده، قدمت استقرار انسانی در تپه سنگ چخماق به حدود ۷۲۰۰ تا ۵۲۰۰ سال پیش از میلاد می‌رسد؛ یعنی این محوطه بیش از ۹ هزار سال پیش شاهد سکونت جوامع انسانی بوده است. این بازه زمانی، تپه سنگ چخماق را در زمره کهن‌ترین محوطه‌های نوسنگی ایران قرار می‌دهد و آن را هم‌دوره با مهم‌ترین مراکز آغاز کشاورزی و یکجانشینی در خاورمیانه می‌سازد. اهمیت این محوطه در آن است که شواهد روشنی از گذار تدریجی انسان از شیوه زندگی مبتنی بر شکار و گردآوری به اقتصاد تولیدی،

تپه سنگ چخماق بسطام یکی از مهم‌ترین محوطه‌های باستانی دوره نوسنگی در ایران است که در استان سمنان، در شمال شهر بسطام و در نزدیکی شاهرود قرار دارد. این محوطه در دامنه‌های جنوبی رشته‌کوه البرز و در حاشیه شمالی فلات ایران واقع شده و از نظر جغرافیایی در منطقه‌ای قرار دارد که در گذشته، با وجود اقلیم نسبتاً خشک، به منابع آب و شرایط مناسب برای استقرارهای اولیه انسانی دسترسی داشته



محوطه سنگ چخماق بسطام

شامل کشاورزی و دامداری، ارائه می‌دهد.



فلوت ۸۰۰۰ ساله ساخته شده از استخوان

از ابزارهای سنگی برای تراشیدن و شکل‌دهی این ساز.

هم‌اکنون تیمی در موزه با همکاری یک موسیقیدان حرفه‌ای در تلاش‌اند یک نسخه بازسازی‌شده از این فلوت بسازند تا بتوان صدایی را که احتمالاً در هزاره‌های پیش تولید می‌شده بازآفرینی کرد و دریچه‌ای واقعی به موسیقی نوسنگی گشود.

وجود چنین سازهایی در محوطه‌های نوسنگی ایران نشان می‌دهد که آدمیان باستان نه فقط ابزارهای کاربردی، بلکه ابزارهای فرهنگی و هنری نیز می‌ساختند و موسیقی بخش مهمی از مناسک، گردهمایی‌های اجتماعی، یا حتی ارتباط با طبیعت و جامعه بوده است.



ماکت خانه ۸۰۰۰ ساله

جایگاه تپه سنگ چخماق در فلات ایران از منظر فرهنگی و تاریخی بسیار برجسته است. این محوطه در مسیر ارتباطی میان مناطق غربی و مرکزی فلات ایران با آسیای مرکزی قرار داشته و به‌نوعی حلقه واسط انتقال دانش، فناوری و الگوهای فرهنگی به شمار می‌رفته است. بررسی ابزارها، سفال‌ها و الگوهای معماری نشان می‌دهد که ساکنان این محوطه نه تنها دارای سنت‌های بومی بوده‌اند، بلکه با دیگر فرهنگ‌های هم‌زمان خود در فلات ایران و فراتر از آن ارتباط داشته‌اند. از این رو، تپه سنگ چخماق نقش مهمی در شناخت چگونگی گسترش فرهنگ نوسنگی در شرق فلات ایران ایفا می‌کند.

کاوش‌های باستان‌شناسی این محوطه عمدتاً در دهه ۱۳۵۰ خورشیدی انجام شد و طی آن بخش‌های مختلف تپه مورد بررسی قرار گرفت. این کاوش‌ها منجر به شناسایی بقایای معماری خشتی، فضاهای مسکونی، اجاق‌ها و مجموعه‌ای غنی از اشیای فرهنگی شد که تصویری نسبتاً روشن از زندگی روزمره ساکنان نوسنگی این منطقه به دست می‌دهد. اگرچه همه نتایج این کاوش‌ها به‌صورت کامل منتشر نشده‌اند، اما داده‌های به‌دست‌آمده جایگاه علمی تپه سنگ چخماق را به‌عنوان یکی از محوطه‌های کلیدی پیشاتاریخی ایران تثبیت کرده است.

در تپه‌های باستانی سنگ‌چخماق یکی از شگفت‌انگیزترین کشفیات باستان‌شناسی موسیقی پیشاتاریخ به‌دست آمده است: فلوتی استخوانی با قدمت حدود ۸۰۰۰ سال که اکنون در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود و به ما نگاهی نادر به سنت‌های موسیقایی دوران نوسنگی می‌دهد.

این ساز باستانی که در جریان کاوش‌های دهه ۱۹۷۰ در «تپه سنگ‌چخماق» کشف شد، از استخوان بال پرنده‌ای بزرگ و مهاجر ساخته شده است و دارای چهار سوراخ اصلی برای انگشتان و یک سوراخ اضافی در نزدیکی انتهای آن است. کارشناسان معتقدند این سوراخ‌ها و نشانه‌های بریدگی روی سطح استخوان نشان‌دهنده مهارت قابل‌توجه انسان‌های نخستین در ساخت ابزارهای صوتی است — آن هم با استفاده



# راهنمای جامع ادغام اجتماعی، اقتصادی و حرفه‌ای برای مهاجران نسل اول

مهاجرت تنها آغاز یک زندگی جدید نیست؛ ورود به شبکه‌ای از قوانین، نهادها، فرصت‌ها و مسئولیت‌های مدنی است. ادغام موفق زمانی اتفاق می‌افتد که فرد مهاجر نه تنها از نظر اقامتی و شغلی تثبیت شود، بلکه با ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه جدید نیز آشنا گردد و به‌صورت فعال در آن مشارکت کند.

در گام نخست، برای امور اقامتی و شهروندی باید به خدمات شهروندی و مهاجرت ایالات متحده مراجعه کرد: <https://www.uscis.gov>

برای دریافت شماره تأمین اجتماعی که پیش‌نیاز اشتغال، تشکیل سابقه اعتباری و بسیاری از امور مالی است: <https://www.ssa.gov>

برای بیمه درمانی در کالیفرنیا: <https://www.coveredca.com>

برای اشتغال، آموزش‌های حرفه‌ای و مزایای بیکاری: <https://edd.ca.gov>

برای امور مالیاتی و آشنایی با قوانین مالیاتی: <https://www.irs.gov>

اگر قصد راه‌اندازی کسب‌وکار دارید، ثبت شرکت از طریق دبیرخانه ایالت انجام می‌شود: <https://www.ftb.ca.gov>

و برای دریافت مشاوره‌های کارآفرینی و وام‌های حمایتی: <https://www.sos.ca.gov>

**شناخت ساختار حکمرانی و نقش سیاستمداران**

در ایالات متحده، نمایندگان منتخب مردم در سطوح شهری، ایالتی و فدرال مسئول سیاست‌گذاری در حوزه‌هایی مانند آموزش، امنیت عمومی، مالیات، سلامت و حمایت از کسب‌وکارها هستند. شما می‌توانید نماینده فدرال حوزه خود را از طریق این پایگاه پیدا کنید: <https://www.house.gov>

<https://www.senate.gov>

نمایندگان شورای شهر، شهردار و نمایندگان ایالتی مستقیماً بر کیفیت زندگی روزمره شما اثر می‌گذارند. حضور در جلسات عمومی شورای شهر، ارسال نامه، تماس با دفاتر نمایندگان و مشارکت در انتخابات ابزارهایی هستند که به شما قدرت می‌دهند. در این کشور، سیاستمداران موظف به پاسخگویی در برابر شهروندان‌اند. آگاهی از حقوق مدنی و مطالبه‌گری آگاهانه، بخشی از فرآیند ادغام موفق است.

**شبکه‌سازی: کلید پیشرفت حرفه‌ای و اجتماعی**

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های ساختار اقتصادی آمریکا با بسیاری از کشورها، نقش پررنگ «شبکه‌سازی حرفه‌ای» است. بسیاری از فرصت‌های شغلی و تجاری نه از طریق آگهی عمومی، بلکه از طریق ارتباطات حرفه‌ای شکل می‌گیرند.

**اتاق‌های بازرگانی**

عضویت در اتاق بازرگانی شهر یا منطقه محل سکونت، شما را با کارآفرینان، مدیران و فعالان اقتصادی محلی مرتبط می‌کند. این فضا فرصتی برای معرفی کسب‌وکار، یافتن شریک تجاری و آشنایی با قوانین محلی است.

**گروه‌های شبکه‌سازی حرفه‌ای**

سازمان‌هایی مانند شبکه‌های ارجاع تجاری (BNI) بر پایه معرفی و اعتماد متقابل شکل گرفته‌اند و به اعضا کمک می‌کنند مشتریان جدید پیدا کنند. حضور منظم در این جلسات می‌تواند مسیر رشد حرفه‌ای شما را سرعت بخشد.

**رویدادهای تخصصی و کارآفرینی**

پایگاه‌هایی مانند: <https://www.meetup.com>

<https://www.eventbrite.com>

امکان شرکت در رویدادهای تخصصی، کارگاه‌های آموزشی، گردهمایی‌های کارآفرینی و نشست‌های فرهنگی را فراهم می‌کنند. با جست‌وجوی حوزه تخصصی خود، می‌توانید در جمع‌های مرتبط حضور یابید و شبکه ارتباطی بسازید.

**انجمن‌های تخصصی و حرفه‌ای**



# آنتونی روانی

Immigration & Business

با بیش از ۱۵ سال تجربه در امور مهاجرت و بازرگانی

وکیل مهاجرت

و امور بازرگانی

و املاک



استاد دانشگاه در سه ایالت امریکا  
دارای تجربه های مدیریت ارشد در  
Microsoft & ExxonMobil



(425) 260-4356

تماس و مشاوره مستقیم با خود وکیل

## از دیوارنگارها تا نگاره‌های دنیای مجازی

نخست در معماری کلیساها با قوس‌های نوک‌تیز، ارتفاع اغراق‌شده و پنجره‌های عظیم شیشه‌ای پدیدار شد، اما به‌سرعت به پیکره‌سازی، نقاشی، شیشه‌های رنگین، موسیقی مذهبی و ادبیات آیینی نیز راه یافت. در همه این شاخه‌ها، هدف مشترک بود: تبدیل امر قدسی به تجربه‌ای حسی و قابل درک برای جمع.

همین نگاه را می‌توان در نقش‌برجسته‌های سردر کلیساها دید؛ صحنه‌هایی از داوری، رستگاری و عذاب که با بدن‌هایی ساده‌سازی‌شده و چهره‌هایی هراس‌انگیز تصویر شده‌اند. در این آثار، بدن فردی و شخصی نیست؛ حامل مفاهیم کلی و اخلاقی است. هنر نه برای ثبت فردیت انسان، بلکه برای تثبیت نظم اخلاقی و پیوند انسان با نظامی کیهانی به‌کار می‌رود.

با این‌حال، و با همه محدودیت‌های اعمال شده از جانب کلیسا نوع دیگری از شکوفایی هنری در تاریخ هنر رقم می‌خورد که ناخواسته به رشد فنی و بیانی نو می‌انجامد. هنرمند برای انتقال مؤثر روایت، ناچار به دقت بیشتر در ترکیب‌بندی، نسبت بدن‌ها و بیان عاطفی چهره‌ها می‌شود و زبان تصویر به‌تدریج پیچیده‌تر می‌گردد.

در اواخر قرن پانزدهم، نشانه‌های این دگرگونی به‌وضوح در آثاری مشخص دیده می‌شوند. در شام آخر لئوناردو داوینچی، چهره‌ها دیگر نمادهای کلی نیستند؛ هر صورت واکنشی روانی و مستقل دارد. در پیه‌تای میکل‌آنژ، بدن مسیح، وزنی واقعی می‌یابد و اندوه مادر، زمینی و ملموس می‌شود. در سوگواری بر مسیح اثر مانتینیا، رنج با سکوت و نگاه منتقل می‌شود، نه با شکوهی انتزاعی. حتی در آثاری کاملاً مذهبی، طبیعت دیگر صرفاً پس‌زمینه‌ای نمادین نیست، بلکه فضایی زنده و قابل مشاهده است.

در چنین آثاری، بدن دیگر فقط حامل معنا نیست؛ موضوع شناخت است. طراحی‌های کالبدشناسی داوینچی نشان می‌دهند که هنر به تجربه و مشاهده نزدیک می‌شود و طبیعت نیز از صحنه‌ای صرفاً قدسی به میدان مطالعه تغییر نقش می‌دهد. این گذار حاصل جهشی ناگهانی نیست، بلکه نتیجه انباشتی تدریجی است؛ رشد

رفته رفته که تحولات تاریخی در گذر زمان شتاب می‌گیرد، هنر نیز از بستر آیین‌های محدود و جمع‌های بسته دور می‌شود و مرحله‌ای نو آغاز می‌کند؛ مرحله‌ای که در آن اثر هنری می‌تواند از زمان و مکان جدا شود، تکثیر گردد و بر ذهن مخاطبانی اثر بگذارد که هرگز خالق آن را ندیده‌اند. همین قابلیت جدایی و انتقال است که هنر را به رسانه بدل می‌کند. از این‌جا به بعد، اثر هنری دیگر صرفاً یک شیء یا کنش آیینی نیست؛ رویدادی است در گردش که با هر تحول اجتماعی، زبان و کارکردش دگرگون می‌شود و در طی قرون بی حضور خالق به حیات خویش ادامه می‌دهد.

در اروپا، از قرن ششم میلادی تا آغاز قرن پانزدهم، جهان همچنان در چارچوب قرون وسطی تنفس می‌کرد. کلیسا به‌عنوان مهم‌ترین نیروی ایدئولوژیک سازمان‌یافته این دوران، هنر را عمدتاً در خدمت آموزش دینی و هدایت ذهن جمعی به‌کار می‌گرفت. تصویر، موسیقی و نمایش نقشی آموزشی داشتند و می‌بایست مفاهیم انتزاعی ایمان را برای مردمی که اغلب بی‌سواد بودند قابل فهم می‌کردند. شیشه‌های رنگین کلیساها، که روایتگر کتاب مقدس به زبان تصویرند، نمونه‌ای روشن از شکل‌گیری کتاب‌های مصورند که جایگزین متن و روایت می‌شوند و پیام را بی‌واسطه در حافظه جمعی حک می‌کنند.

رفته رفته این منطق تصویری در قالب هنر گوتیک—که از میانه قرن دوازدهم میلادی، هم‌زمان با رشد شهرها و تثبیت قدرت کلیسا در شمال اروپا شکل می‌گیرد—به نظامی فراگیر بدل می‌شود. گوتیک



زندگی مادر مسیح - نقش‌برجسته سنگی - کلیسای جامع شارتر در کشور فرانسه -



پنجره شیشه‌ای رنگین (پادشاه) - سنت شاپل - پاریس - قرن ۱۳م



## شام آخر اثر لئوناردو داوینچی - دیوارنگاره، صومعهٔ سانتا ماریا دله گراتسیه، میلان

زیباشناسی رمزگذاری شده یاد می‌شود. نگارگری ایرانی با روایت‌های چندزمانه، شعر با زبان ابهام، و تعزیه با ساختار آیینی و جمعی، نمونه‌هایی روشن از این مسیرند. اگر غرب به‌سوی گسستی تدریجی از نظم هنری پیشین حرکت می‌کند، شرق راه حفظ معنا از مسیر رمز و آیین را می‌آزماید.

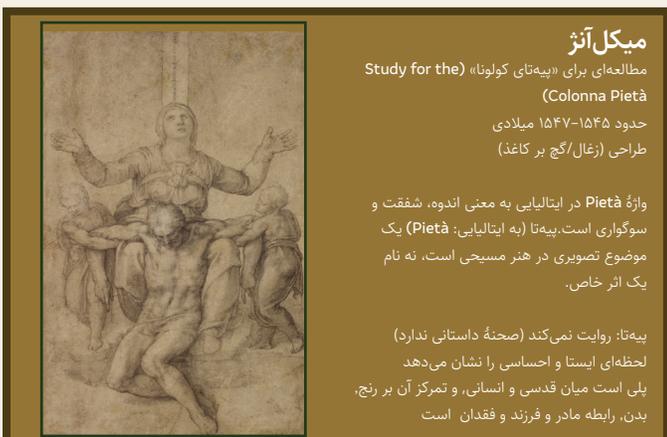
در همین دوران، انقلابی خاموش در ابزارهای ارتباطی رخ می‌دهد. اختراع چاپ با حروف متحرک در میانهٔ قرن پانزدهم، امکان تکثیر گستردهٔ متن و تصویر را فراهم می‌کند. کتاب از وابستگی به مکان رها می‌شود و اندیشه می‌تواند سفر کند. هرچند در آغاز، به‌جز متون نمایشی مذهبی، نمایش‌نامه‌ها کمتر چاپ می‌شدند، این فناوری به تدریج زمینهٔ گردش مستقل متن نمایشی را فراهم می‌کند؛ امری که در سده‌های بعد با انتشار آثار شکسپیر به‌روشنی دیده می‌شود.

بدین‌سان، پیش از ورود به دوران مدرن، مسیر روشن شده است: هنر، جامعه و ابزارهای ارتباطی به‌گونه‌ای برگشت‌ناپذیر به هم گره خورده‌اند. آنچه در قاب‌ها، پیکره‌ها، اجراها و متون می‌بینیم، حاصل مسیری طولانی است که هنر از آیین تا رسانه طی کرده و در آستانهٔ رنسانس به نوعی خودآگاهی تاریخی رسیده است.

شهرها و تجارت، شکل‌گیری طبقه‌ای تازه از شهرنشینان، افزایش سواد و تضعیف اقتدار یک‌دست کلیسا در همین بستر، بازخوانی متون و هنر کلاسیک نقشی تعیین‌کننده ایفا می‌کند. ترجمهٔ متون علمی، فلسفی و ادبی ریشه‌دار در جهان پیشاسلامی ایران، یونان و بین‌النهرین—که از قرن دوازدهم میلادی آغاز شده بود—افق‌های تازه‌ای برای اندیشهٔ اروپایی می‌گشاید و به دگرگونی تدریجی جهان‌بینی شتاب می‌بخشد؛ فرایندی که به افول قرون وسطی و در نهایت به رنسانس می‌انجامد.

در هنر نمایش، این گذار مسیری پیچیده‌تر دارد. در دوره‌هایی، در قرون وسطی، بسیاری از اشکال نمایش‌های غیرمذهبی ممنوع یا مطرود اعلام شدند و بازیگران جایگاهی حاشیه‌ای و بدنام یافتند. با این‌حال، رفته‌رفته نوعی نمایش از دل کلیساها سربرآورد که همچنان در خدمت کلیسا و بازتابی از داستان‌های کتاب مقدس بود. جشنواره‌های مذهبی، محلی مناسب برای پیدایش اشکال نمایشی شد که به تدریج شکل می‌گرفتند. رفته رفته، کمدی‌هایی با نام کمدی فارس<sup>۱</sup> از دل مردم جوشید. نخستین نشانه‌های شکل‌گیری کمدی «فارس» در اروپا، به ویژه در قرون وسطی و سده‌های سیزدهم و چهاردهم میلادی، در فرانسه دیده شده است. کمدی فارس نوعی نمایش بی‌پرده، سرشار از شوخی‌های رکیک، زد و خورد و اغراق بود که در میان مردم و در تضاد با نمایش کلیسایی رشد کرد و کارکردی انتقادی و تخلیه‌گر داشت. در دربارها و جشن‌ها نیز میان‌پرده‌های نمایشی پرزرق‌وبرقی شکل گرفتند که موسیقی در آن‌ها نقشی اساسی ایفا می‌کرد و رفته‌رفته از دل آن‌ها اپرا پدید آمد.

در این زمان هنر شرق مسیری دیگر می‌پیماید. بیان مستقیم جای خود را به رمزگذاری می‌دهد و معنا در تمثیل، آیین و لایه‌های روایت توزیع می‌شود؛ آنچه در مطالعات هنر تطبیقی از آن به‌عنوان



### میکل آنژ

مطالعه‌ای برای «پیه‌تای کولونا» (Study for the Colonna Pietà)

حدود ۱۵۴۵-۱۵۴۷ میلادی  
طراحی (زغال/گچ بر کاغذ)

واژهٔ Pietà در ایتالیایی به معنی اندوه، شفقت و سوگواری است. پیه‌تا (به ایتالیایی: Pietà) یک موضوع تصویری در هنر مسیحی است، نه نام یک اثر خاص.

پیه‌تا: روایت نمی‌کند (صحنهٔ داستانی ندارد) لحظه‌ای ایستا و احساسی را نشان می‌دهد. پلی است میان قدسی و انسانی، و تمرکز آن بر رنج بدن، رابطه مادر و فرزند و فقدان است.

# Caravan

محیطی گرم، صمیمی و آرام  
برای یک تجربه متفاوت غذایی



هر غذا داستانی از فرهنگ و اصالت آسیای میانه دارد

## Caravan Uzbek Cuisine

7084 Auburn Blvd #160, Citrus Heights, CA 95621

(279) 500-7777



# هنرمندان ایرانی صاحب نام در جای جای جهان

## این بار شهرام گلپریان نقاش، گرافیست و آهنگساز



همچنین بیش از بیست سال نیز در دانشگاه‌ها به تدریس گرافیک پرداختم و با دانشجویان زیادی کار کردم.

که باز هم مجموع آنها نسبت به کاست‌ها و سی‌دی‌هایی که منتشر می‌شدند و در سطح کشور و حتی خارج از کشور — از جمله در آمریکا، اروپا و استرالیا — پخش و فروخته می‌شدند، مخاطبان بسیار کمتری داشتند. بنابراین طبیعی بود که در آن سال‌ها بیشتر به عنوان آهنگساز شناخته شوم

شهرام گلپریان و همسرش فاطمه ملک افضلی هر دو هنرمندانی ایرانی و صاحب سبک‌اند که اینک در ساکرامنتو سکونت دارند برای آشنایی با این دو هنرمند گرامی ضمن گپ و گفتی با شهرام گلپریان طرح جلد این شماره یکی از آثار خانم ملک افضلی انتخاب شد

**بامداد**  
گمانم اشاره به سی‌دی‌هایی دارید که در همکاری با زنده یاد محمد نوری تولید و پخش کرده اید، درست است؟

**گلپریان**  
بله، من در مجموع در سه سی‌دی با زنده یاد نوری همکاری داشتم

سی‌دی اول، آغاز همکاری من با او شامل قطعاتی است که تمامی آهنگ‌هایش توسط خودم ساخته شده است. و آقای

در برخی پروژه‌های دیگر به‌عنوان دستیار، به‌ویژه در بخش‌های الکترونیک، با استاد عزیزم آقای درویشی همکاری داشتم. در کنار آن، چند انیمیشن دیگر نیز خارج از محیط تلویزیون کار کردم. همچنین بیش از هزار قطعه موسیقی برای کاست‌های شعرهای مدرسه تهیه کردم که با همکاری تکنولوژی آموزشی آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و انتشارات سروش برای دانش‌آموزان دبستان، راهنمایی و دبیرستان تولید شد. علاوه بر این، تعداد زیادی تیزر تبلیغاتی نیز ساختم.

اما در پاسخ به این بخش از سؤال شما که چرا بیشتر به‌عنوان آهنگساز شناخته می‌شوم تا گرافیست: فعالیت موظف من در انتشارات رادیو و تلویزیون بود؛ طراحی مجله، کتاب، تصویرسازی، بروشور و سایر موارد. طبیعتاً این آثار مخاطبان محدودتری داشتند.

فعالیت داشته‌ام. از دوران دبیرستان به بعد، هر دوی این رشته‌ها را به‌صورت آکادمیک ادامه دادم؛ نقاشی و گرافیک را در دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد تا مقطع کارشناسی ارشد تحصیل کردم و موسیقی را نزد استادان متعددی آموختم؛ به‌ویژه در زمینه نوازندگی گیتار و مهم‌تر از آن، دوره‌های آهنگسازی که در محضر استاد محمدرضا درویشی، استاد بنام دانشگاه، محقق، پژوهشگر و آهنگساز، گذراندم.

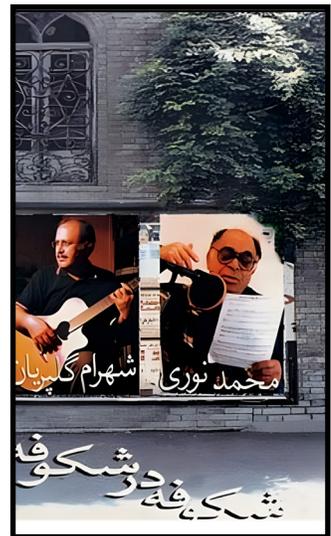
پس از آن فعالیت حرفه‌ای خود را آغاز کردم. کارهای متعددی برای تلویزیون انجام دادم؛ برای برنامه‌های مختلف از جمله برنامه‌های علمی، برخی انیمیشن‌ها و برنامه‌هایی که برای کودکان تهیه می‌شد. همچنین تعداد زیادی از قطعات فولکلوریک ایرانی را برای میان‌برنامه‌ها تنظیم کردم. چندین موسیقی فیلم ساختم و

### بامداد

جناب گلپریان شما یکی از اساتید هنر گرافیک هستید اما شهرت شما بیشتر در دنیای موسیقی است برایمان در این باره و چگونگی آن بگویید

### گلپریان

از ابتدا من هنرهای شنیداری و دیداری را به‌صورت همزمان دنبال کرده‌ام. از کودکی در کنار پدرم که هنرمند بود، هم در زمینه موسیقی و هم نقاشی





## گفت‌وگو با شهرام گلپریان آهنگساز و گرافیست

علی‌اصغر محتاج اشعار آن را سروده‌اند، که از دوستان صمیمی من و از استادان پیشکسوت طراحی گرافیک هستند و در انتشارات سروش، همکار بودیم، اما در اوقات فراغت به موسیقی می‌پرداختیم؛ گاهی ایشان ترانه می‌سرودند و من برای آن‌ها موسیقی می‌ساختم، و گاهی من موسیقی می‌ساختم و ایشان بر روی آن کلام می‌گذاشتند

برخی از این ترانه‌ها پیش‌تر با صدای خودم ضبط آزمایشی شده بود. آقای نوری به تعدادی از آن‌ها علاقه‌مند شدند و تمایل داشتند آن‌ها را اجرا کنند. این قطعات در استودیوی خانگی که من راه‌اندازی کرده بودم اجرا و ضبط شد. روند کار نسبتاً طولانی بود؛ آهسته و با حوصله پیش می‌رفتیم، به تدریج قطعات شکل می‌گرفت و در این مسیر، چند ترانه دیگر نیز ساخته و به مجموعه افزوده شد

زنده یاد نوری در رشته‌های ادبیات و تئاتر تحصیل کرده بود و در این موارد صاحب‌نظر بود. گاهی در اشعار آقای محتاج

اصلاحاتی پیشنهاد می‌کرد که به احترام جایگاه و پیشکسوتی ایشان این اصلاحات با روی گشاده پذیرفته می‌شد. در زمینه موسیقی نیز ایشان نظرانی داشتند؛ از جمله اینکه برخی خطوط ملودی، به‌ویژه از نظر فواصل و پرش‌ها، ممکن است برای اجرا یا بازخوانی توسط مخاطبان دشوار باشد. هرچند خود ایشان این قطعات را به راحتی اجرا می‌کردند، اما معتقد بودند مخاطبان عام ممکن است در خواندن آن‌ها دچار مشکل شوند. در این بخش، دیدگاه من با ایشان یکسان نبود، اما همچون آقای محتاج، در نهایت تغییراتی معدود در فواصل ملودی اعمال می‌کردم

نتیجه کار گروهی ما ابتدا به صورت نوار کاست منتشر شد، زیرا در آن زمان سی‌دی هنوز در بازار ایران رایج نشده بود. این کار با استقبال چشمگیری مواجه شد، بارها تجدید چاپ و تکثیر گردید و بعدها، همزمان با رایج شدن سی‌دی، نسخه‌های جدید

به صورت سی‌دی نیز منتشر شد. پس از حدود یک سال یا اندکی بیشتر، زنده یاد محمد نوری که از کیفیت ضبط و اجرای برخی از ترانه‌های گذشته اش راضی نبود پیشنهاد تنظیم و ضبط و اجرای دوباره آن‌ها را داد من شخصاً علاقه‌ای به بازسازی یا تنظیم آثار دیگران نداشتم، اما به احترام آقای نوری و دوستی شکل‌گرفته میانمان پذیرفتم و سی‌دی دوم با عنوان «شکوفه خاطرات» ضبط و منتشر شد. در این مجموعه، نقش من تنظیم و اجرای قطعات بود. برخی آثار برایم جذاب و الهام‌بخش بودند، برخی چندان مورد علاقه‌ام نبودند، و تعدادی نیز اساساً در حوزه سلیقه موسیقایی من قرار نمی‌گرفتند. با این حال، تمامی قطعات را مطابق خواست آقای نوری تنظیم کردم. این مجموعه نیز منتشر شد

در فاصله‌ای حدود یک سال، سی‌دی سوم آماده شد. قطعات این مجموعه از آهنگسازان مختلفی بودند که نام آن‌ها بر روی جلد درج شده بود، اما اکنون جزئیات اسامی در خاطر من نیست. در این پروژه، نقش من همانند سی‌دی دوم تنظیم،

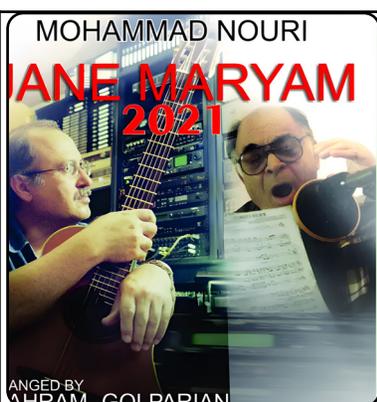
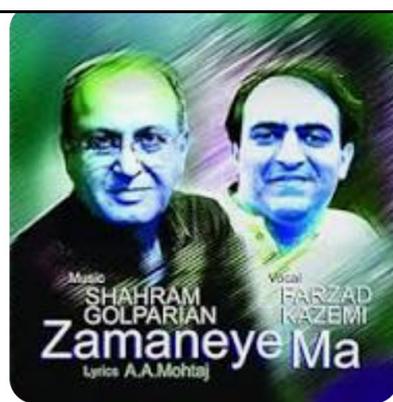
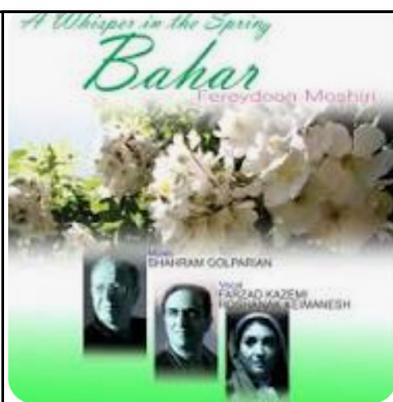
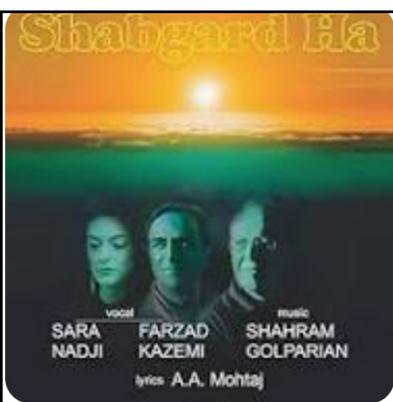
نوازندگی، اجرا، ضبط و حتی انجام مراحل میکس و مسترینگ نهایی در همان استودیوی خانگی بود. در هر دو سی‌دی دوم و سوم، نوازندگان دیگری نیز در ضبط برخی سازها، به‌ویژه سازهای ایرانی، با من همکاری داشتند. فضای صوتی کار ترکیبی از اجرای آکوستیک و الکترونیک بود

### بامداد

به تازگی ترانه‌ی شنیده نشده‌ای از ساخته‌های شما با صدای محمد نوری در فضای مجازی به اشتراک گذاشته شده است. ممکن است علت عدم پخش این ترانه را در طول این سال‌های دراز برای ما بگوئید

### گلپریان

در سی‌دی سوم، دو قطعه به دلایل مختلف منتشر نشدند. یکی از آن‌ها قطعه‌ای بود به نام لاله‌ها با مضمونی اجتماعی و عاطفی درباره فصلی دردناک و تلخ از تاریخ معاصر با تأثیرپذیری از کشتار ایرانیانی که در راه آزادی تلاش کرده و در آن مسیر جان باخته بودند؛ که در آن زمان « شهید » و امروز از آن‌ها با عنوان



# DG FOAM INNOVATIONS

FOAM DESIGNS FOR EVERY VISION

## ARCHITECTURAL FOAM DESIGNS



### طراحی لوگو و فوم معماری برای کاربردهای گوناگون

طراحی فوم‌های سفارشی و تخصصی برای صنعت ساختمان  
تولید محصولات فومی ویژه برای جشن‌ها و مهمانی‌ها

### لوگو ستون‌ها و پسرزمینه‌ها انواع قاب و تزئینات

اگر به دنبال کیفیت مطلوب در  
طراحی هستید، تیم ما با تجربه،  
دانش و نگاه سازنده، آماده  
است تا آنچه شما در ذهن  
دارید را به واقعیت تبدیل کند

916.713.2185 (Oficina)

916.496.7545 (Cell)

Gus@dgfoaminnovations.net



WEB SITE



Gustavo



@DG\_FOAM\_INNOVATIONS

Instagram

# سینا مارکت

## Sina Market



تنها فروشگاه ایرانی در ساکرامنتو

📍 8700 GREENBACK LN, ORANGEVALE, CA 📞 (530)665-3092



## گفت‌وگو با شهرام گلپریان آهنگساز و گرافیست

با آهنگسازان و تنظیم‌کنندگان دیگری مانند آقای سریر و آقای لاجینی — نسل جوان‌تری نیز به جمع مخاطبان و دوستداران ایشان پیوسته بودند.

درخواست‌هایی برای اجرای کنسرت مطرح شد و آقای نوری، نیز، مانند هر هنرمند دیگری، تمایل زیادی به حضور روی صحنه داشتند. در این دوره، بخش قابل توجهی از زمان و انرژی ایشان صرف تمرین و اجرای کنسرت‌ها شد. نکته قابل توجه این بود که ایشان بخشی از درآمد کنسرت‌ها را به امور خیریه اختصاص می‌داد.

### گلدان

مدتی بعد متأسفانه ایشان دچار بیماری سخت و لاعلاجی شدند بیماری‌ای که به تدریج شدت گرفت. آخرین تماس تلفنی من با آقای نوری صبحی بود که ایشان با من تماس گرفتند. اگرچه هیچ‌گاه به‌طور مستقیم درباره بیماری صحبت نکردیم، اما لحن و حال‌وهوای مکالمه به‌گونه‌ای بود که برای من تداعی‌کننده نوعی خداحافظی بود. در آن گفتگو

اجرا کرده است. بخش نخست به زبان گیلکی و بخش دوم به فارسی. احتمالاً کلام فارسی این اثر از زنده یاد منوچهر میکده بود از دوستان نزدیک آقای نوری، موسیقی‌دان، نوازنده پیانو و ترانه‌سرا. این قطعه نیز ضبط شد، اما به دلیل طولانی بودن و محدودیت فضای سی‌دی، در نسخه نهایی قرار نگرفت که به زودی آن را هم اصلاح و منتشر خواهیم کرد.

### بامداد

از چه زمان زنده یاد محمد نوری به فکر اجرای کنسرت افتاد و در این راه گام نهاد

### گلپریان

پس از انتشار آلبوم دوم و سوم و باقی ماندن آن دو قطعه منتشر نشده، فضای فرهنگی و هنری ایران نسبت به گذشته بازتر شد. در این دوره، با توجه به انتشار آثار متعدد آقای نوری — چه در همکاری با من و چه

«جاوید نام» یا «جان‌فدای میهن» یاد می‌کنیم. واضح است که در شرایط سیاسی حاکم، این اثر نمی‌توانست انتشار یابد اما اینک پس از چندین سال با یاری دوست هنرمندم دکتر فرزاد کاظمی که علاوه بر حرفه دندانبزشکی موسیقی‌دانی باارزش، خواننده‌ای توانا و دارای اطلاعات اجتماعی و فلسفی و فنی و نرم‌افزارهای ویرایش هستند با اصلاح جزئیاتی فنی و هنری آنرا آماده و از سوی زنده یاد محمد نوری و خودم منتشر و به تمامی جاویدنامان میهن تقدیم می‌کنیم و از طریق صفحات مجازی من در فیس بوک و اینستاگرام منتشر شده و در یوتوب، آی تونز، اسپاتیفای و اغلب پلت فرم‌ها بطور کامل امکان شنیدن و یا دانلود دارد.

جز این یک ترانه محلی هم از کارهای ایشان پخش نشد ترانه‌ای از نواحی گیلان با عنوان «خروس‌خوان» که زنده یاد نوری آن را به دو زبان گیلکی و فارسی





## گفت‌وگو با شهرام گلپریان آهنگساز و گرافیست

### بامداد

میان دو هنر گرافیک و موسیقی کشش شما بیشتر به کدام سمت است و چرا؟

### گلپریان

من گرافیک و نقاشی را به همان اندازه دوست داشتم که موسیقی را و همیشه به صورت حرفه‌ای و بسته به حال و روزم، گاهی بیشتر به موسیقی می‌پرداختم، گاهی به گرافیک و یا نقاشی

### بامداد

نقاش، گرافیست و آهنگساز مورد علاقه شما کیست و چرا

### گلپریان

پاسخ به این پرسش بسیار دشوار است، زیرا حوزه هنر عرصه‌ای گسترده و متنوع است. نقاشان

نقاشان نامی بیرم، با وجود همه این ملاحظات و تنوع‌ها، احتمالاً باز هم به همان هنرمندی بازمی‌گردم که از جوانی همواره شیفته آثارش بوده‌ام: ونسان ون گوگ. این علاقه دیرینه همچنان در من باقی مانده است. شاید بخشی از این دل بستگی به سرگذشت، روحیات و جهان درونی او بازمی‌گردد

در حوزه موسیقی نیز، آنچه از سال‌های دور برایم جذاب بوده و همچنان جایگاه ویژه‌ای در ذهن و سلیقه‌ام دارد، شیوه آهنگ‌سازی، ارکستراسیون و زبان موسیقایی سرگئی پروکفیف است. آثار او را هنوز هم با همان علاقه گذشته گوش می‌دهم و احساس می‌کنم آن نگاه و شیوه کاری همچنان برایم تازگی و جذابیت دارد

در زمینه گرافیک، نامی که بیش از دیگران در ذهنم برجسته

است، هولگر ماتیس است. افزون بر آثار و نگرش حرفه‌ای او، و توجه ویژه به عکس و عکاسی همچنین فرصتی پیش آمد که از نزدیک با ایشان گفت‌وگو داشته باشم. مشاهده دیدگاه‌ها و عقاید هوشمندانه او درباره گرافیک، تأثیر قابل توجهی بر نگاه من گذاشت و باعث شد علاقه‌ام به رویکرد فکری و هنری او عمیق‌تر شود

با همه این‌ها، مایلم تأکید کنم که چنین انتخاب‌هایی کاملاً شخصی و وابسته به زمان‌اند. چه‌بسا اگر حتی یک ماه دیگر همین پرسش را از من داشته باشید تحت تأثیر شرایط، تجربه‌ها یا حال‌وهوای متفاوت، نام‌های دیگری به ذهنم برسند

ادغام موفق تنها به اشتغال محدود نمی‌شود؛ بلکه شامل شناخت حقوق قانونی، مشارکت در جامعه، ایجاد اعتبار مالی، ساختن شبکه حرفه‌ای و ایفای نقش در تصمیم‌سازی‌های محلی است. مهاجر موفق کسی است که:

از حقوق خود آگاه است

مسئولیت‌های قانونی خود را انجام می‌دهد

در رویدادهای اجتماعی شرکت می‌کند

شبکه حرفه‌ای می‌سازد

با نمایندگان منتخب در ارتباط است

و برای نسل بعدی خود مسیر روشن‌تری ایجاد می‌کند

اگر شما یا خانواده‌تان به تازگی وارد این مسیر شده‌اید و درباره هر یک از این مراحل پرسشی دارید، از شما دعوت می‌کنیم به وبسایت ما مراجعه کرده و با ما در تماس باشید. ما آماده‌ایم تا شما را به منابع معتبر راهنمایی کنیم و در مسیر ادغام اجتماعی، اقتصادی و حرفه‌ای در کنار شما باشیم.

## دکتر بردیا حریری



### بقیه از صفحه ۸: راهنمای جامع ادغام اجتماعی.....

پزشکان، مهندسان، حسابداران، وکلا و دیگر متخصصان معمولاً انجمن‌های حرفه‌ای دارند. عضویت در این انجمن‌ها نه تنها اعتبار حرفه‌ای شما را افزایش می‌دهد، بلکه مسیر دریافت مجوزهای لازم و تطبیق مدارک تحصیلی را نیز هموار می‌کند.

### کتابخانه‌های عمومی و کالج‌های محلی

کتابخانه‌ها اغلب کارگاه‌های رایگان رزومه‌نویسی، مهارت‌های دیجیتال و آموزش زبان برگزار می‌کنند. کالج‌های محلی نیز دوره‌های مقرون به صرفه برای ارتقای مهارت‌های فنی و مدیریتی ارائه می‌دهند.

ادغام واقعی یعنی مشارکت فعال



# Hariri Financial Partners

INSURANCE AND FINANCIAL SOLUTIONS

## گروه مشاوران مالی حریری

فبه مدیریت دکتر بردیا حریری

### برنامه ریزی مالی مطمئن که می توانید به آن تکیه کنید

گروه مشاوران مالی حریری طی بیش از ۱۰ سال سابقه فعالیت و همکاری با بیش از ۱۵۰۰ کسب و کار و خانواده در سراسر آمریکا، در زمینه مدیریت مالی و طراحی راهکارهای مالیاتی همراه شماست.

#### خدمات ما:

- مدیریت و کاهش مالیات بر ارث
- استراتژی‌های کارآمد برای مالیات بردرآمد
- کاهش و برنامه ریزی هوشمندانه مالیات بر سود سرمایه
- انتقال داری با ساختارهای امن و پایدار

#### اعتبار و افتخارات:

- عضو انجمن بین‌المللی MDRT (۱٪ برتر مشاوران مالی جهان)
- شبکه‌ای از ۱۳۸ نمایندگی در ۱۳ ایالت آمریکا
- بیش از یک دهه همکاری مستمر با خانواده‌ها و کسب و کارها
- شریک امانتدار مورد تایید حسابداران رسمی کالیفرنیا (CALPA)





# ترانک‌های پارسی ۲

در ادامه شماره‌های پیشین، این بار به ترانه‌گویان فارسی در سده شش خورشیدی برابر با سده ۱۲ میلادی و پس از آن می‌رسیم:

## شاعران سده شش خورشیدی برابر با سده‌های دوازده و سیزده میلادی

### عمق بخارایی:

هر دیده که عاشق است خوابش مدهید

هر دل که در آتش است آبش مدهید

دل از بر من رمید از بهر خدای

گر آید و در زند جوابش مدهید

### جلی

گه حسرت روزگار فرسوده خوریم

گه انده کارهای نابوده خوریم

تا کی ز زمانه رنج بیهوده خوریم

آن به که زمانی می آسوده خوریم

### حسن غزنوی

یک چند نهران سوی دلارام شدیم

واکنون به عیان جفت می و جام شدیم

ترسیدن ما همه ز بدنامی ماست

اکنون ز چه ترسیم که بدنام شدیم

### سنایی غزنوی

تا هشیاری، به طعم مستی نرسی

تا تن ندهی، به جان پرستی نرسی

تا در ره عشق دوست چون آتش و آب

از خود نشوی نیست، به هستی نرسی

### اثیرا خسیکتی

محکوم و فنا که بنده خوانند اورا

\*\*\*

گر آمدنم ز من بدی، نامدمی

ور نیز شدن<sup>۱</sup> به من بُدی، کی شدمی؟

بر بالش حکم کی نشانند اورا

گر چرخ نمی‌رود به کام تو مرنج

به زین بُدی که اندرین دیرِ خراب<sup>۲</sup>

کاو نیز چنان رود که رانند اورا

نه آمدمی، نه بودمی، نه شُدمی

### عمادی شیرازی

خاکی و تو را مشک ختن دانستم

خاری و تو را گل و سمن دانستم

دردا که من آنم که تو می‌دانستی

افسوس تو آن نه‌ای که می‌دانستم

### صابر

چندان ز فراق در زیانم که می‌پرس

چندان ز غمت بسوخت جانم که می‌پرس

چندان بگریست دیدگانم که می‌پرس

گفتی که چگونه‌ای؟ چنانم که می‌پرس

۱ شدن: رفتن سپری شدن

۲ دیر خراب، مراد جهان است

## انوری

با گل گفتیم ابر چرا می‌گرید

ماتم‌زده نیست بر کجا می‌گرید

گل گفت اگر راست همی باید گفت

بر عهد من و عمر شما می‌گرید

\*\*\*

دادم به امید روزگاری برباد

نا بوده ز روزگار خود روزی شاد

ز آن می‌ترسم که روزگار ندهد

چندان که ز روزگار بستانم داد

## نظامی

از هر چه خورد مرد شراب، اولی‌تر

در بتکده‌ها، باده ناب اولی‌تر

عالم چو خرابست و درو جایی نیست

در جای خراب هم خراب اولی‌تر

## مجیر

یک دست به مصحف و دگر دست به جام

گه نزد حلال مانده گه نزد حرام

مائیم در این عالم ناپخته خام

نه کافر مطلق، نه مسلمان تمام

## جمال‌الدین اصفهانی

در هجر تو گفتم که ز جان می‌ترسم

وصل آمد و من هم آن‌چنان می‌ترسم

دی خود ز زبان دشمنان ترسیدم

امروز ز چشم دوستان می‌ترسم

## ظہیر

نه برگ شکایت از تو گفتن دارم

نه طاقت درد دل نهفتن دارم

آکنده چو غنچه گشتم از غم غم دریاب

کز تنگدلی سر شکفتن دارم

## خاقانی

ای گوهر گم بوده کجا جویبیمت

پای آبله در کوی بلا جویبیمت

از هر دهنی یکان یکان پرسیمت

وز هر وطنی جدا جدا جویبیمت

\*\*\*

امشب شب آن نیست که در خانه روند

وز یار یگانه سوی بیگانه روند

امشب شب آن است که جان‌های عزیز

در آتش اشتیاق مستانه روند

## عطار

گر مرد رهی میان خون باید رفت

از پای فتاده سرنگون باید رفت

تو پای به راه در نه و هیچ مپرس

هم راه بگویدت که چون باید رفت

## شاعران سده هفت خورشیدی برابر با سده سیزده میلادی

### کمال‌الدین

با سروقدی تازه‌تر از خرمن گل

از دست مده جام می و دامن گل

زان پیش که ناگه شود از باد اجل

پیراهن عمر ما چو پیراهن گل

### امامی

راهی ز زبان تا در دل پیوسته‌ست

کاسرار جهان و جان در آن ره بسته‌ست

تا هست زبان بسته، گشاده‌ست آن راه

چون گشت زبان گشاده آن ره بسته‌ست

### مولوی

اول به هزار لطف بنواخت مرا

آخر به هزار غصه بگداخت مرا

چون مهره مهر خویش می‌باخت مرا

چون من همه او شدم برانداخت مرا



# گروگان

اول فقط چند جوان بودند.  
چند نفر در ابتدای خیابان، با  
صداهایی که هنوز به فریاد  
نرسیده بود.  
اعتراض آرام شروع شد؛  
به نان کم،  
به کار نایاب،  
به زندگی زخم خورده،  
به سیاستی که نفس را در  
سینه حبس کرده بود.

دست‌ها بالا رفت.  
شعارها شکل گرفت.  
و بعد،  
مثل آتشی که به انبار برسد،  
جمعیت بیشتر شد،  
خیابان تنگ‌تر شد،  
و صداها اوج گرفت.

پلیس از دو سوی خیابان  
ریخت.  
سپرها در هم قفل شد.  
خطی از آهن و دستور میان  
مردم کشیدند  
و بعد  
گاز اشک‌آور،  
ماشین آب‌پاش،  
باتوم،

تفنگ و فشنگ  
در برابر مردمی قرار گرفت  
که سدی از خشم و آتش  
شده بودند.  
دود همه‌چیز را بلعید.  
چشم‌ها سوخت.  
سینه‌ها سوخت.  
و مردم، سیاوش‌وار، از آتش  
گذشتند.  
دویدند،  
لغزیدند،  
افتادند؛  
چون برگ‌های پاییزی،  
یکی پس از دیگری بر زمین  
ریختند.  
و خون و چکمه  
در هم آمیخت.

شایان میان جمعیت بود؛  
نه در صف اول،  
نه در پناه دیوار.  
یکی مثل بقیه،  
با مشت‌های خالی و قلبی پر.  
صدای شلیک که آمد،  
اول نفهمید چه شد.  
فقط دید زمین نزدیک  
می‌شود.  
دست به پهلو برد.

پاهایش خالی شد  
و مثل شاخه‌ای شکسته  
افتاد.

امیر او را دید.  
از میان دود و جیغ و شلیک،  
خودش را به شایان رساند.  
خون از زیر پیراهنش  
می‌جوشید.  
چشم‌های شایان نیمه‌باز بود؛  
انگار هنوز خیابان را نگاه  
می‌کرد.

امیر، در میان آتش و خون،  
شایان را به دوش گرفت.  
دوید.  
از کوچه‌های دود و فریاد  
گذشت.  
از کنار دیوارهایی که تازه  
شعار بر آن‌ها جان می‌داد.  
از چنگ تفنگ و چکمه،  
شایان را کشید بیرون.  
اما شهر،  
شهر شایعه بود.  
گفته بودند:

«زخمی‌ها را می‌برند.»  
«جنازه‌ها را پس نمی‌دهند.»  
خانواده‌ها سرگردان شدند؛  
میان بیمارستان،  
کلانتری،  
سردخانه.  
با نام‌هایی که در مشت‌های  
لرزان‌شان مجاله شده بود.  
اول گفتند شایعه است.

بعد معلوم شد که شایعه  
نیست.  
واقعیت دارد.

دیده بودند.  
گفته بودند.  
دیده بودند پیکر شاعری را  
که از خارج آورده بودند،  
در همان فرودگاه رپوده شد  
و هرگز به خانواده‌اش  
بازنگشت.  
این‌جا  
زنده را گرو می‌گیرند،  
مرده را هم.

همه گروگانند:  
در شهر،  
در روستا،  
در اداره،  
در خیابان،  
در زندان.

امیر نمی‌خواست گروگان  
باشد.  
شایان نیمه‌جان را به خانه  
رساند.  
مادر شایان هنوز دعا می‌کرد.  
هنوز فکر می‌کرد زخمش  
خوب می‌شود.

اما شایان  
تمام کرده بود.  
نه نجات یافت،  
نه پرواز کرد.  
او مرده بود.  
و مرگ، تنها چیزی بود که

# IRAN

Headlines do not define today's Iran  
The quite arithmetic of survival does  
Each morning begins with uncertainty  
each night ends with the careful counting of  
absences  
Time does not move forward here  
it stretches  
slows  
resists  
asking not to be lived  
but endured  
People learn restraint in speech  
not because they think too little  
but because their speech costs much  
Memories of the past  
grow heavier than hope for the future  
and silence becomes its own literacy  
In today's Iran  
living is not neutral  
it is a deliberate act  
a daily negotiation between fear and dignity  
Staying is not inertia  
it is a decision  
renewed every morning  
Iran today is neither in collapse nor rebirth  
it is a long suspended moment  
a held breath  
between what has been endured  
and what still insists on becoming

دیگر نمی‌شد از او پس  
گرفت.  
شایان  
دیگر گروگان نبود.

امیر، از ترس مأموران،  
شب تا صبح  
کنار دیوار رفت و برگشت.  
کنار در ایستاد.  
کنار پیکر شایان که سرد  
می‌شد نشست.  
پلک روی پلک گذاشت.  
شهر هم نخوابید.

صبح،  
در گورستان،  
آدم‌ها آرام حرف می‌زدند؛  
آن قدر آرام  
که انگار حتی خاک هم شنود  
بود.

همه از «پرواز» گروگان‌ها  
می‌گفتند:

شایان،  
سامان،  
نرگس،  
و نام‌هایی که هر روز بلندتر  
می‌شدند.

کسی نگفت کشته شدند.  
گفتند:

پرواز کردند.  
و شهر،  
با چند گروگان کمتر،  
با هزار گروگان بیشتر،  
به زندگی گروگان‌وارش ادامه  
داد.



# سوسیال دموکراسی چیست؟

## مصاحبه با جمعیت سوسیال دموکراسی برای ایران

س ۱ - سوسیال دموکراسی یا آن گونه که به فارسی برگردانده شده «مردم‌سالاری اجتماعی» موضوع گفتگوی ماست قبل از اینکه نخستین سؤال خودم را مطرح کنم مایلم تعریف یا برداشت شما را از سوسیال دموکراسی همراه با نگاهی کوتاه و به اختصار به تاریخچه سوسیال دموکراسی در جهان و ایران داشته باشم

**منصور.** در آغاز بگویم که معادل «مردم‌سالاری اجتماعی» را در برابر

«سوسیال دموکراسی» گمراه‌کننده می‌دانم و فکر می‌کنم ترجمه‌هایی

از این دست، خواننده را از دریافت دقیق مفاهیم دور می‌کنند. وقتی

مردم‌سالاری در برابر دموکراسی می‌نشیند به دنبال خود «مردم‌سالاری

دینی» را می‌آورد که منشأ قدرت را از زمین به آسمان می‌فرستد و این

با معنای دموکراسی در تعارض است. چنین است ترجمه «کاپیتالیسم»

به «سرمایه‌داری» و «سوسیالیسم» به «جامعه‌گرایی» - که نادرست‌اند.

به همین دلیل بود که من در ترجمه کتاب «کاپیتالیسم، سوسیالیسم و

دموکراسی» اثر شومپیتر در برابر وسوسه «فارسی سازی» مقاومت کردم.

اما سخن گفتن از تاریخچه سوسیال دموکراسی، ریختن دریاست در

کوزه و کتاب‌ها درباره‌اش نوشته شده است. اندیشه سوسیالیسم از

فرانسه برخاسته، با فلسفه آلمان و معارف اقتصادی انگلیس پیوند

خورده و در متن جنبش‌های برابری خواهانه و سندیکالیسم، درخت تناور

سوسیال دموکراسی را ساخته است؛ ده‌ها اندیشمند بزرگ بدنه آن را رشد

داده و شاخه‌های پر شمارش را پدید آورده‌اند از سن-سیمون تا پرودون و

رابرت اوئن، از فردیناند لاسال تا کارل مارکس، از برنشتاین تا کائوتسکی،

از سیدنی-وب تا کی یر هاردی (بنیان‌گذار حزب کارگر بریتانیا)، از روزا

لوگزانبرگ تا هیلفردینگ و از بوهم-بوورک تا شومپیتر تا به روزگار ما.

گفتنی است که سوسیال-دموکراسی نام اولیه کمونیسم هم بود و در

مسیر رشد بود. شاخه‌های «انقلابی» و «رفورمیست» آن از هم جدا

شدند؛ حزب لنین هم به همین نام خوانده می‌شد.

با پدید آمدن مارکسیسم صف سوسیال دموکراسی «علمی» از «تخیلی»

جدا شد و هرکدام به ده‌ها شاخه بخش شدند؛ سوسیال-دموکراتهای

«علمی» جریان‌های پرتنوع کمونیستی را ساختند و جریان دیگر به صورت جریان‌های سوسیالیست، سوسیال-رفورمیست و احزاب کارگری و نهضت‌های سندیکالیستی بروز کردند.

در سده بیستم، کشاکش کاپیتالیسم با «سوسیالیسم واقعاً موجود» با پیروزی کاپیتالیسم فیصله یافت و چین کمونیست با عاریه کردن سازوکار اعجاز گر «بازار» و ادغام آن در ساختار حزب واحد کمونیست، نظام دورگه‌ای پرداخت که مقصد نهائی آن هنوز در ابهام است.

س ۲ - جهان سیاست و کشورداری تجربه‌های فراوان و گوناگون پشت سر گذاشته است. متأسفانه امروز بشریت هنوز با مشکلات فراوانی در زمینه تأمین خواست‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی‌اش مواجه است، در پاسخگویی به مجموعه خواست‌های مادی و معنوی انسان، جهان سرمایه‌داری ناتوانی‌ها نشان داده است و آنچه سوسیالیسم واقعاً موجود خوانده می‌شد نیز ناتوان‌تر از جهان سرمایه‌داری عمل کرد. از همان راه‌های سومی که برای برون‌رفت از مشکلات و معضلات جامعه بشری مطرح شده و در عمل نیز تجربه شده‌اند تفکر و عملکرد سوسیال دموکراسی به‌عنوان یک آلترناتیو بیش از راه‌های دیگر پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی انسان بوده است. به نظر شما چرا چنین روندی پیش آمده است؟ آیا چشم‌انداز گسترده‌تری برای تحقق سوسیال دموکراسی می‌بینید؟ آیا سوسیال دموکراسی با توجه به قدرت سرمایه‌داری (علیرغم بحران‌ها و مشکلاتش) می‌تواند بر ضعف‌ها و کمبودها غلبه کند؟

**منصور.** در پرسش مرکب شما مفاهیم ناروشنی داریم که ناگزیریم مرزهای آن‌ها را ترسیم کنیم: نیازهای بشر روینده و بالنده‌اند و مرز آن‌ها توان تولید و شیوه توزیع جامعه است. توان تولید تابعی است

از شکل‌بندی اجتماعی، نظام مالکیت، نظام تقسیم‌کار، منابع طبیعی و ارتقای سطح نیروهای مولد؛ و شیوه توزیع - که تابع نظام تولید هم هست - متأثر است از شکل - جامعه مدنی و مدل تقسیم ارزش‌افزوده میان عوامل تولید. شکل‌بندی‌های اجتماعی، مقولاتی تاریخی‌اند و از تنوعات بیکران برخوردارند. دوران ما، در مجموع از نظامات برده‌داری و فئودالی گذر کرده - ولو که بقایای آن نظامات هنوز هم وجود دارند - و به نظام‌های کاپیتالیسم و دیگر مشتقات آن گام گذاشته است. برای این گذار بزرگ، حرکت‌های دوران‌ساز رنسانس و رفرماسیون ضرورت داشتند که از سده سیزدهم آغاز شده و در توالی هم در سده هفدهم به کمال رسیدند و آنگاه دوران «مدرن» آغاز شد. تحولات علمی و فنی سه سده گذشته، بدون تردید از مجموع دگرگونی‌هایی که در چهار هزار سال پیش انجام گرفته‌اند غنی‌ترند.

گهواره این تحول، اروپای شمالی بود که از آنجا به امریکا، ژاپن، استرالیا، نیوزیلند و دیگر مناطق گسترش یافت. شکل‌بندی (فرورماسیون) تولیدی این دنیا، کاپیتالیسم بود که بر بال علم و تکنولوژی پرواز می‌کرد و تنها «قطب-نمای» حرکتش عبارت بود از «افزایش بهره‌وری عوامل». این نظام از سده پانزدهم جوانه‌زده بود ولی پس از زایش علم نوین با طلایه‌دارانی چون کپلر، کوپرنیک، تیکو-براهه، گالیله و نیوتون و پس از خلق «انقلاب صنعتی» در انگلستان، به تنظیم‌کننده نبض اقتصاد جهانی بدل شده بود: بازارهای محلی را با حذف گمرکات بین شهرک‌ها در هم ادغام کرده و بازارهای ملی و نیز پول ملی پدید آورده بود؛ نظام بانکی جهانی ایجاد کرده و ارتباطات و مراسلات جهانی بنا کرده بود؛ متروپل‌های بزرگ ساخته بود و بالاتر از همه، با تثبیت مقیاس بهره‌وری از طریق «قدرت خرید پول‌ها»، آهنگ «تولید ثروت» را در دورترین نقاط جهان به ریتم بهره‌وری متروپل پیوند زده بود.

این سیل پرخروش، همه عرصه‌های معرفت انسان را درنوردید و علم بمثابه «روش» پژوهش بر تمامی میدان‌های مادی و معنوی سایه افکند و برتری بی‌چون و چرای خود را در قیاس با معارف کهن نشان داد. این علم «قدرت‌اندیش» که در جوانی مغرور می‌نمود به تدریج بالغ‌تر شد و فروتنی آموخت و در کلیه عرصه‌های خود، اصل «عدم تعین» را مستقر کرد.

از حیث تولید ثروت، بدون تردید عصر ما غنی‌ترین دوران تاریخ بشر است. در هیچ دوره‌ای از تاریخ، حجم تولید با اندازه‌های نجومی امروز قیاس پذیر نیست. از حیث توزیع هم بآنکه از ۷/۵ میلیارد انسان روی کره خاکی هنوز دست‌کم یک‌چهارم در فقر زندگی می‌کنند ولی هرگز نسبت انسان‌های بالای خط فقر امروز با گذشته تاریخی قابل قیاس نیست. باوجوداین، هنوز فاصله نجومی داریم از اینکه همه انسان‌ها از ضروریات یک زندگی انسانی برخوردار باشند؛ از گرسنگی و بیماری و

اختناق در امان باشند و بتوانند استعدادهای خود را شکوفا کنند؛ هنوز «از خود-بیبگانگی» در وجوه سه‌گانه خود - به درجات گوناگون - بر انسان حکم می‌راند: «ثروت به‌مثابه آفریده فکر و کار او، بجای اینکه خدمتگزار او باشد بر او سروری می‌کند؛ قدرت به‌مثابه مخلوق اراده‌های همسو شده مجموعه‌های او بجای اینکه در خدمت او باشد، بر او حکمرانی می‌کند؛ و مذهب به‌مثابه پرواز خیال و آرزوی او، خود او را به بند می‌کشد!»

در این مقطع، این پرسش مطرح می‌شود که کدامین فورماسیون اجتماعی بیشترین توان را در تأمین بیشترین خوشبختی برای بیشترین شمار مردمان دارد؟ برای پاسخ این پرسش، داده‌های کافی تاریخی در اختیار داریم: **کاپیتالیسم، موتور تولید ثروت را دارد ولی موتور تأمین «عدالت اجتماعی» را ندارد؛ سوسیالیسم موتور تولید ثروت را فلج می‌کند و برائش آن از تأمین عدالت اجتماعی نیز ناتوان می‌ماند.**

در این میان آیا سوسیال-دموکراسی راه سوم است؟ پایه‌های نظری آن کدام است؟ باید روی این پرسش مکتب کرد: آیا می‌توان سوسیال-دموکراسی را بر بنیادهای نظری «سوسیالیسم علمی» بنا کرد؟ در **پیرامون خود بسیاری از هواداران سوسیال-دموکراسی را می‌بینیم که به «تضاد کار و سرمایه» باور دارند و مفهوم «ارزش اضافی» را قدسی می‌شمارند. اینان «کمونیست‌های خجالتی» هستند که در سنگر سوسیال-دموکراسی مأوی گرفته‌اند که اگر مجال پیدا کنند به «دیکتاتوری پرولتاریا» عودت می‌کنند. سوسیال-دموکراتها باید به روشنی بدانند که سوسیال-دموکراسی بر مبنای نظریه «ارزش-کار» استوار نیست؛ «مفهوم ارزش اضافه» تنها در مفهوم مارکسی معنی دارد؛ عامل تولید در سوسیال-دموکراسی، مجموعه عوامل کار، زمین، سرمایه، تکنولوژی و هم-افزایی سازمان است و جنس ارزش در سوسیال-دموکراسی، «مطلوبیت» است و فرد انسان - و نه همه- محور نظام اخلاقی است.**

س ۳ - در ایران این روند را در سطح جامعه و میان گروه‌ها و اقشار اجتماعی مختلف چگونه می‌بینید؟

**منصور.** «کاپیتالیسمی» که در ایران وجود دارد مشابه است با «کاپیتالیسم دوران بدوی انباشت سرمایه» که از بن‌بند منافذ آن - به سخن مارکس - چرک و خونابه می‌تراوید؛ این نظام برخلاف آنچه بخشی از چپ ایران می‌گوید «نئولیبرال» هم نیست؛ ثروت او عمدتاً از غارت و مصادره تأمین شده و «ارزش‌افزوده» آن نه از بهره‌وری عوامل بلکه از «رانت و اختلاس و ارتشاء» تأمین می‌شود.

۴ - در اردوی مخالفان حکومت اسلامی طیف وسیعی در داخل و خارج کشور سوسیال‌دموکراسی را راه برون‌رفت از مشکلات و معضلات موجود در جامعه‌مان می‌دانند از سوسیال‌دموکراسی نامی برده نمی‌شود اما

همان مفهوم و پدیده و نظرات و خواست‌های سوسیال دموکراتیک مدنظر است و آنچه به‌عنوان راه‌حل‌های نظری و عملی از سوی افراد و نیروهای ترقی‌خواه و دموکراسی طلب طرح می‌شوند همان سوسیال دموکراسی است؛ شما در این رابطه چگونه می‌اندیشید؟ آیا برداشت من درست است؟

**منصور.** گزینه کاپیتالیسم یا سوسیال-دموکراسی برای جامعه‌هایی مطرح است که از گسل فراخ رنسانس و رفورماسیون گذر کرده‌اند و گرنه رهسپاران وادی پیشامدرن با این انتخاب لوکس روبرو نیستند! آیا جامعه در هر مرحله از رشد تاریخی-فرهنگی خود می‌تواند به هرکدام از این نظام‌ها روی آورد؟ آیا روسیه عقب‌مانده به دست بلشویک‌ها سوسیالیست شد؟ آیا آلبانی با رهبری انور خوجه به کمونیسم رسید؟ و آیا چین فقیر و دهقانی با رهبری حزب کمونیست، کاپیتالیست یا سوسیالیست شد؟

ما ملت ایران، در فراتر از یک سده، با چشمانی نیمه‌باز، دستیابی به «توسعه» را هدف گرفته‌ایم ولی با موانع سهمگینی در «بن‌مایه‌های فرهنگی» (پارادایم‌های) خود روبرو بوده‌ایم که هم ما را از دریافت چه بود توسعه بازمی‌داشت و هم از درک الزامات آن غافل می‌کرد.

حرکت مشروطه به آن موانع شبیخون زد ولی درنهایت، مایوس از زدودن آن‌ها، با آن‌ها کنار آمد. سلسله پهلوی توانست با کنار گذاشتن برخی از الزامات توسعه، برخی دیگر را بنا کند و «دولت-ملت» پدید آورد و زیرساخت‌های اقتصاد ملی را بسازد ولی زمانی که هنگامه «خیز بزرگ توسعه» فرارسیده بود به‌واسطه همان بن‌مایه‌هایی که در شبیخون مشروطه-خواهی زخمی شده ولی از پا درنیامده بودند از پا درآمد و فرآیند توسعه در نیمه-راه ماند.

نظام برخاسته از انقلاب، «نو» نبود بلکه «بازگشت» بود. این بار بازگشتن از راه پیموده در دستور کار بود و دنیای غرب به‌مثابه «مظهر توسعه» هدف حمله بود. یارگیری در درون از میان نیروهای گذشته گرا بود و در برون از دژهای رقیب یا دشمن غرب.

س ۵- به نظر شما چرا سوسیال دموکراسی پیش از انقلاب بهمن حتی در میان روشنفکران سیاسی و فرهنگی و فلسفی و نیز کوشندگان سیاسی و فرهنگی جریان فکری و سیاسی ضعیفی در جامعه ما بود می‌بینیم طی دو دهه اخیر به جریان قدرتمند در مقایسه با سایر جریان‌های اپوزیسیون حکومتی در جامعه ما بدل شده است... دلیل این دگرگونی و تحول چیست؟ چرا تمایل به سوسیال دموکراسی در میان ایرانیان افزایش یافته است؟

**منصور.** مسئله نخستین ما معماری بن‌مایه‌های دنیای مدرن است که کاپیتالیسم و سوسیال-دموکراسی بر پایه‌های آن استوار می‌شوند. ما

پیش از استقرار هر نظام مدرن نیاز داریم به استقرار مفهوم و حرمت قانون، تنفیذ مفهوم انسان صاحب حق، تأسیس دادگستری مدرن، تأسیس نظام آموزشی علم-محور، تنفیذ احترام به تولید، تولیدکننده، اندیشمند و مبتکر و احترام به حق مالکیت ناشی از کوشش تولید-محور.

س ۶- موانع موجود رشد فکر و کردار سوسیال دموکراتیک در جامعه ما کدامند؟ چگونه می‌توان این موانع را از سر راه برداشت؟

**منصور.** بدیهی است که مسئله ابعاد گوناگون دارد ولی پایه‌ای‌ترین لایه آن تربیت فرد تولیدکننده است؛ این موجود به دگرگونی ساختار خانوار، به استقرار نظم قانون‌مدار، به نظام پرورشی علم-اندیش و فن-مدار و به نظام اجتماعی مجهز به یک نظام قضائی پاکیزه، چابک و دستیاب نیازمند است. جامعه مدنی پویا و سرشار از حق-طلبی قانون‌مدار و دولتی درستکار و توسعه-محور. بر این مبانی است که زیرساخت کاپیتالیسم و سوسیال-دموکراسی پی‌ریزی می‌شود.

س ۷- چگونه می‌توان رشد تفکر سوسیال دموکراسی یعنی رشد یک دموکراسی اجتماعی همراه با یک دولت رفاهی را تقویت و تسریع کرد؟

**منصور.** دولت رفاه، مولود دوران پس از جنگ دوم جهانی است و امروزه همه کشورهای پیشرفته جهان اعم از آمریکا، بیست‌وهشت کشور اروپائی، ژاپن، استرالیا، ویزیلاند نو بدرجات گوناگون سوسیال دموکرات‌اند. دولت رفاه در همه این کشورها با درجات متفاوت حضور دارد. انگلستان از نخستین و بهترین نمونه‌های دولت رفاه است؛ کشورهای اسکانندیناوی مانند سوئد و نروژ و فنلاند و دانمارک و ایسلند از برترین نمونه‌های دولت رفاه شمرده می‌شوند. درواقع، دولت رفاه در این جوامع به حال اشباع رسیده و نقاط قدرت و ضعف خود را نمایش داده است. امروزه مثلاً حزب «مودرات= محافظه‌کار» سوئد بیش از حزب کارگر انگلیس، سوسیال-دموکرات است. از دیگر سو، جنبه‌های منفی دولت رفاه هم در حجم بزرگ دولت، فزونی مالیات‌ها، خروج بخش قابل‌ملاحظه متخصصان از کشور و پدید شدن لایه‌های «بی‌درد و غیرمسئول» در جامعه مایه نگرانی و بازاندیشی شده است.

س ۸- امروز شکل‌گیری یک جریان سوسیال دموکراتیک در حد حزبی فراگیر دغدغه بسیاری از کوشندگان سیاسی و فرهنگی و روشنفکران سیاسی و فرهنگی و فلسفی میهنمان است. برای شکل‌گیری چنین جریان و تبدیل آن به یک حزب فراگیر و جنبش به نظر شما چه باید کرد؟

**منصور.** سوسیال دموکراسی از متن جامعه مدنی و در مبارزات سندیکائی و حق-طلبانه و قانون مدار پدید می آید و در غیاب این زیرساخت فعال، ساختن یک جریان غالب سوسیال-دموکراتیک ناممکن است. گام‌های نخستین نیل به یک چنان جامعه‌ای چیدن آجر به آجر مدنیت مدرن و رهایی از قرون وسطای خاورمیانه‌ای است.

س ۹ - چرا در خارج از کشور که شرایط ظاهراً برای شکل‌گیری جریان و جنبشی سوسیال دموکراتیک مهیا تراست ما هنوز نتوانستیم یک جریان متشکل و تأثیرگذار سوسیال دموکراتیک شکل بدهیم؟ عوامل عینی و ذهنی چنین جریان و جنبشی به نظر شما کدامند و چه راه‌های عملی‌ای برای تسریع شکل‌گیری چنین جریانی پیشنهاد می‌کنید؟

**منصور.** می‌توان این پرسش را در مورد هر خانواده سیاسی مطرح کرد: چرا ایرانیان حتی در متن جوامع دموکراتیک نتوانسته‌اند یک جریان نیرومند کمونیست، لیبرال، سوسیال‌دموکرات، حزب محیط زیست یا محافظه‌کار پدیدآورند؟ پاسخ به این پرسش ما را با مسائل یک جامعه پیشا مدرن روبرو می‌کند.

س ۱۰ - گسترش دموکراسی به حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی چگونه امکان دارد؟

**منصور.** دموکراسی نیازمند پیش-شرط است و در غیاب آن‌ها نه خود به وجود می‌آید و نه قابل تسری است به حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی!

س ۱۱ - آزادی حرکت سرمایه‌ها و جهانی در خدمت رفاه همگانی موردنظر سوسیال دموکراسی است و یا در مقابل آن؟

**منصور.** آزادی حرکت عوامل تولید اعم از کار و سرمایه و دانش موجب اعتلای توان ثروت افزایی است ولی این شرط لازم، در نفس خود کافی

نیست و باید با سازوکارهای دموکراسی ملی تجهیز شود.  
س ۱۲ - پیش‌نیاز اقتصادی جامعه رفاه همگانی موردنظر سوسیال دموکراسی چیست؟

**منصور.** پیش‌نیازهای اقتصادی جامعه رفاه همگانی عبارتند از برخورداری از بالاترین میزان بهره‌وری عوامل تولید، حضور در مقیاس بزرگ‌ترین بازارها برای کشف و بهره‌برداری از مزایای نسبی، مجهز بودن به والاترین نظام‌های آموزشی علم-اندیش و فن-محور و حضور یک دستگاه قضائی پاکیزه، قانون-محور، چابک و دستیاب.

س ۱۳ - آیا جامعه رفاه در جامعه ایران با طبیعت نه‌چندان سخاوتمند و جمعیت زیاد قابل دسترسی است و یا یک آرمان دست‌نیافتنی؟

**منصور.** طبیعت در همه جوامع ظرفی است برای نیروهای تولیدی؛ به دیگر سخن، محیط زیست پیش‌شرط فعل تولیدی است و اقتصاد در غیاب سخاوت طبیعت از نفس می‌افتد. عوامل طبیعی نظیر آب (رودها، چاه‌ها، تالاب‌ها و دریاها)، هوا، خاک، منابع و کوه‌ها جزو «ثروت ملی» شمرده می‌شوند. کشور ما از غنی‌ترین طبیعت‌ها برخوردار نیست و این واقعیت بر مسئولیت ما ایرانیان می‌افزاید.

در پنجاه سال اخیر علم «اقتصاد محیط زیست» به عرصه نیرومندی از اقتصاد بدل شده و صاحب‌نظرانش تا حد جوایز نوبل فراز آمده‌اند. پیشرفت این دانش در کشورهای پیشرفته، روش‌های علمی مدیریت منابع طبیعی و آب‌و‌خاک و هوا را بکار آورده و موجب شده است که این عوامل به سنجش درآمد و قیمت‌گذاری شوند تا به‌رایگان در اختیار فرایندهای تولیدی قرار نگیرند. کشور ما در این چند دهه بطور خطیری بیراه رفته و کشور را با چالش‌های وجودی روبرو کرده است و یک دولت مسئول در کنار مردم قطعاً از همه امکانات علمی برای بازآفرینی و نگهداری محیط زیست استفاده خواهد کرد.



PARTY PLANNER | STYLING | EVENT DESIGNER

شکوه برگزاری یک مراسم به یاد ماندنی را با

**آزی دیزاین**

تجربه کنید

(916)856-6664

*Azi Design*

# AIR COOL HEATING & COOLING

MORE THAN 25 YEARS  
OF EXPERIENCE  
PROUDLY SERVING  
THE GREATER  
SACRAMENTO AREA



## SPECIAL OFFER

- GET UP TO \$2,500  
REBATE FROM SMUD
- RECEIVE UP TO \$2,000  
FEDERAL TAX CREDIT

 **SMUD** Authorize Contractor



Keeping Your Home  
Comfortable Year-Round

*There's no better time to save on energy and costs!*

**30%  
TAX  
CREDIT**

Lic# 899203  
Fully Insured & Bonded



### Our Services:

- |  |   |
|--|---|
| <input checked="" type="checkbox"/> AC Installation      | <input checked="" type="checkbox"/> REBATES           |
| <input checked="" type="checkbox"/> Fast Repairs         | <input checked="" type="checkbox"/> DUCT CLEANING     |
| <input checked="" type="checkbox"/> Maintenance Services | <input checked="" type="checkbox"/> Emergency Repairs |

Call now for a free consultation:

Shahin Sadeghi  
**(916) 834-2921**



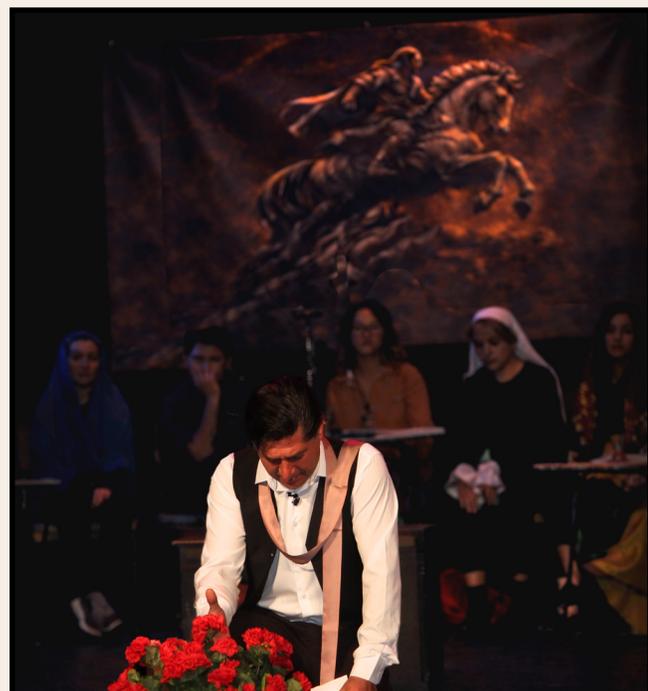
این گزارش، روایت دو شب ایستادن بر صحنه است؛ دو شب که نه برای خندیدن و خندانند که برای تاب آوردن، برای همدردی و برای به نمایش درآوردن اندوهی مشترک شکل گرفت. اجرای نمایشنامه خوانی «سوغ سیاوش» توسط گروه تئاتر اورنگ در سالن Guild Theater ساکرامنتو، در شب‌های ۳۰ و ۳۱ ژانویه، پاسخی هنری بود به زخمی عمیق که بر جان یک یک ما نشسته بود.

#### پیش‌زمینه :

نمایش «کمدی آدمی» پیش‌تر در فرزند و تنها پرده اول آن اجرا شده بود و گروه، با شوق خود را برای اجرای کامل و هر دو پرده آن در ساکرامنتو آماده کرده بود. اما به ناگهان ایران عزیز همراه با همه ما در سوگ فرو رفت. اعتراض به فقر، به بی‌عدالتی، به نبود آزادی، با گلوله و رگبار پاسخ داده شد. جان‌باختن هزاران هم‌وطن بی‌دفاع، زندانی شدن، اعدام و خاموش شدن زیباترین صداهای جوان و پویانده داغی بر دل همگان گذاشت در چنین شرایطی، بنیاد فرهنگی- هنری اورنگ تصمیم

## اجرای نمایش «سوغ سیاوش» در ساکرامنتو

گرفت «کمدی آدمی» را کنار بگذارد. و «تراژدی آدمی» را به صحنه ببرد، نمایش جانگداز خون‌های پاک که بر زمین ریخته شد، مادرانی که چشم‌انتظار ماندند و پدرانی که دق کردند. نه تنها خندیدن، که سکوت نیز دیگر ممکن نبود. هنر هرگز نمی‌تواند خاموش بماند، حتی در هول‌انگیزترین شب‌های حمله مارهای سمی ضحاک به بنیان‌های هنر و اندیشه. سالن تئاتر گیلد از چندین ماه پیش برای این دو شب گرفته شده بود و تغییر آن بسیار دشوار بود. از میان آثار ارزشمند آقای صادق هائقی، «سوغ سیاوش» از سوی بنیاد برگزیده شد؛ متنی که مظلومیت، قربانی شدن و حقیقت لگدمال‌شده را



فریاد می‌زند. سیاوش، تنها یک اسطوره نیست؛ او تصویر تکرار شونده تاریخ ماست، از دیروز تا امروز. این اثر پیش‌ترها به کارگردانی نویسنده درسه کشور فرانسه، آلمان و انگلیس و در سالن اصلی یونسکو پاریس با حضور جمعی از بهترین بازیگران تئاتر ایران اجرا شده بود، اما اینک باید با گروهی اجرا می‌شد که غالب آن‌ها بار اول تجربه و حضورشان در



است که با حضورشان از گروه حمایت کردند؛ به‌ویژه دوستانی که هر دو شب، همدلانه در سالن حضور داشتند. حضوری که دلگرمی بود و یادآور این حقیقت که تنها نیستیم.

#### اوج همدلی:

صحنه پایانی شب نخست، با سوگواری برای مرگ سیاوش در غربت، مرز میان اسطوره و زمان حال، صحنه و سالن را شکست و اشک‌ها، بی‌اختیار جاری شد؛ نه فقط برای سیاوش، که برای تمام فرزندان این سرزمین. آن لحظه، تئاتر به آیین سوگواری جمعی برای سیاوش که در غربت توران زمین و هزاران سیاوش که در غربت میهن به خون غلطیدند بدل شد.

#### سخن پایانی:

«سوغ سیاوش» تنها یک اجرا نبود؛ شهادتی بود بر زنده بودن هنرو ضرورت حضور آن. بنیاد فرهنگی - هنری اورنگ و رادیو بامداد، با این دو شب، یکبار دیگر بر پایداری هنر و نقش آن در این شب بیداد و هول تأکید کردند



صحنه بود و گاه در خواندن متن بر گرفته از شاهنامه مشکل داشتند، پس کارگردان تصمیم گرفت تلاش خود را معطوف به درست خواندن متن واجرا را محدود به یک نمایشنامه خوانی کند،

از لحظه تصمیم‌گیری تا شب نخست اجرا، تنها سه هفته زمان وجود داشت. سه هفته‌ای که برای اعضای گروه، شب و روز نداشتیم. تمرین‌های انفرادی و گروهی، ساعت‌ها و گاه شبانه‌روز، در حالی انجام شد که دل‌ها داغدار و خشم و اندوه حس مشترک همگان بود و تمرین، خود شکلی از مقاومتی همدلانه بود.

#### اجرای فراتر از نمایشنامه‌خوانی:

با وجود محدودیت زمان، اجرا تنها به خواندن متن بسنده نکرد. دکور، لباس، گریم، موسیقی زنده، آواز، حرکت و بازیگری، همگی در کنار هم قرار گرفتند تا اثری شکل بگیرد که از دل برآمده بود.

#### تماشاگر، همراه صحنه:

تشکر صمیمانه و عمیق گروه تئاتر اورنگ، نثار تمامی کسانی



# TRAGEDY OF SIYAVOSH



With English subtitles

## سویاوش

صادق هاشمی

Inspired by Ferdowsi's Shahnameh

Written and Directed by SADEGH HATEFI

Translated by Adam Hatefi

Production Manager Rokhand Gharavi

Music by Salar

Costume Design: Marjan Soltani

Makeup: Mahnaz Asadpour

Photography: Masood Torabi

MAR 21 | 6:30 PM

Unitarian Universalist Church of Fresno

2672 E Alluvial Ave, Fresno, CA 93720



FREE ADMISSION

[www.owrang.org](http://www.owrang.org) | (916) 839-0022

[iraniancultureandartclub.com](http://iraniancultureandartclub.com) | (559) 709-3851



آدم پر نداره اما پرواز داره  
پاییز کم هیشتم  
نمی مونه. بهار صیاد  
آشیا تم دوباره  
ساخته می شم

بیلبل می خونم  
آشیا تم رو می سازه و  
می خونم



# تغذیه و سلامت روان

## چگونه با تغذیه و مراقبت‌های ساده از استرس و سلامت روان حمایت کنیم؟

برای همه ما، این روزها سنگین‌تر از معمول می‌گذرند. روزهایی که ذهن مدام درگیر خبرهای ناگوار، نگرانی نسبت به آینده و سرنوشت عزیزان و وطنمان است و خستگی روانی به تدریج خودش را در خواب، تمرکز و حتی اشتها نشان می‌دهد. اگر این روزها احساس اضطراب، بی‌حوصلگی، افت انرژی یا فرسودگی ذهنی دارید، شما در این تجربه تنها نیستید. بسیاری از این واکنش‌ها، پاسخ طبیعی بدن و ذهن به فشارهای طولانی‌مدت و شرایط نامطمئن هستند. وقتی نااطمینانی ادامه پیدا می‌کند، سیستم عصبی در حالت آماده‌باش باقی می‌ماند و بدن فرصت کافی برای آرام شدن پیدا نمی‌کند. این وضعیت می‌تواند آرام‌آرام بر حال روحی، توان جسمی و کیفیت زندگی روزمره اثر بگذارد. در حالت پر تنش، بدن بیش از قبل مستعد بیماری شده و در صورت ابتلا به بیماری‌ها، روند بهبود معمولاً کندتر خواهد بود؛ چرا که استرس مزمن می‌تواند عملکرد سیستم ایمنی را تضعیف کند. هم‌زمانی این فشارهای روانی با فصل سرد سال، معمولاً شدت و ماندگاری آن‌ها را افزایش می‌دهد. کوتاه‌تر شدن روزها، کاهش نور خورشید، محدود شدن تحرک و ماندن طولانی‌تر در فضاهای بسته می‌تواند حال

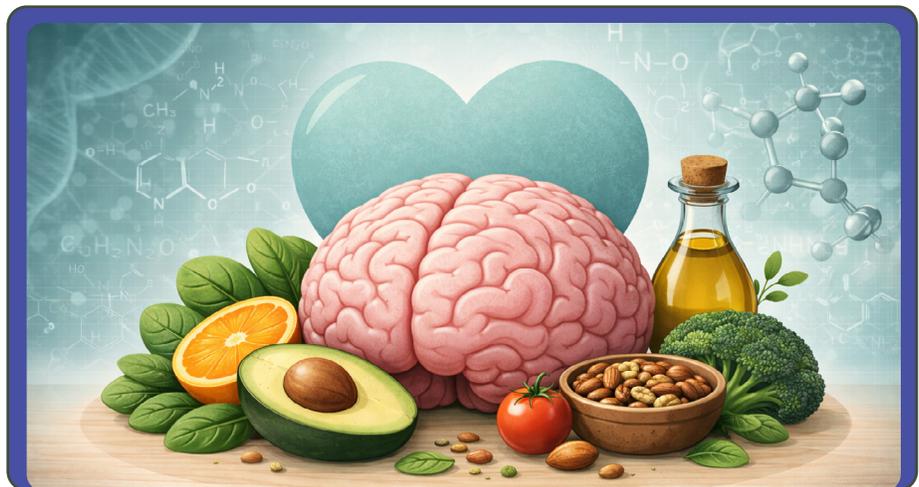
ساده اما هوشمندانه به بدن منتقل می‌شود. تغذیه در این دوره‌ها لازم نیست کامل یا ایده‌آل باشد؛ کافی است حمایتی و پایدار باشد. وعده‌های غذایی منظم، دریافت پروتئین کافی، پرهیز از حذف افراطی گروه‌های غذایی و مصرف مایعات کافی می‌تواند به کاهش فشار سیستم عصبی کمک کند.

روحی را تحت تأثیر قرار دهد و احساس فرسودگی را تشدید کند. در چنین شرایطی، بدن تمایل بیشتری به ذخیره انرژی دارد و اگر حمایت مناسبی دریافت نکند، استرس می‌تواند به صورت مزمن در سیستم‌های مختلف بدن باقی بماند.

**تغذیه سالم؛ حمایت به جای فشار**  
در شرایط پرتنش، هدف وارد کردن فشار بیشتر به بدن نیست؛ بلکه همراهی با آن در شرایط واقعی زندگی است. در روزهایی که استرس بالاست، بدن بیش از هر چیز به پیام «امنیت» نیاز دارد. این پیام از طریق نظم، ثبات و انتخاب‌های

**ضرورت توجه به ریتم غذا خوردن**  
یکی از جنبه‌های مهم در تغذیه، توجه به ریتم غذا خوردن است. حذف وعده‌ها، دیر غذا خوردن یا بی‌نظمی در زمان بندی می‌تواند پیام ناامنی به بدن بدهد و استرس فیزیولوژیک را افزایش دهد. در مقابل، داشتن الگوی نسبتاً منظم—حتی اگر ساده باشد—به سیستم عصبی کمک می‌کند آرام‌تر عمل کند. در ساعات پایانی روز، انتخاب وعده‌های سبک‌تر و قابل‌هضم می‌تواند کیفیت خواب و آرامش شبانه را بهبود ببخشد.

**قند خون و ارتباط آن با حال روحی**





نوسانات قند خون نقش مستقیمی در وضعیت روحی دارند. افت قند خون اغلب با احساس بی‌قراری، اضطراب، تحریک‌پذیری یا ولع شدید به شیرینی همراه است. بسیاری از افرادی که این علائم را تجربه می‌کنند، آن را صرفاً به مسائل روانی نسبت می‌دهند، در حالی که تنظیم قند خون می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر حال روحی شما داشته باشد.

حفظ تعادل در وعده‌ها و ترکیب مناسب کربوهیدرات، پروتئین و چربی—حتی بدون رژیم‌های سخت—می‌تواند به آرامش بیشتر کمک کند.

### غذاهای ساده و گرم؛ انتخاب‌هایی حمایت‌کننده

در فصل سرد و دوره‌های استرس، بدن معمولاً با غذاهای ساده‌تر و گرم‌تر احساس بهتری دارد. غذاهایی مانند سوپ‌های خانگی، عدسی، آش سبک، خوراک سبزیجات پخته با ترکیب پروتئین‌های گیاهی یا گوشت‌های کم چرب با کربوهیدرات‌های ساده و قابل‌هضم مثل غلات کامل می‌توانند هم از نظر فیزیکی و هم روانی آرامش‌بخش باشند. در مقابل، غذاهای بسیار چرب، سنگین یا فرآوری‌شده ممکن است احساس خستگی، سنگینی و افت انرژی را تشدید کنند.

### دمنوش‌های آرامبخش

دمنوش‌های ملایم می‌توانند

که شرایط بیرونی فراتر از کنترل ماست، نحوه‌ی همراهی با بدن و ذهن می‌تواند در زندگی ما تفاوت موثری ایجاد کند. تغذیه سالم، با تأکید بر ثبات، سادگی و مهربانی با خود، رویکردی عملی برای حمایت از سلامت جسم و روان در دوره‌های دشوار است. گاهی همین مراقبت‌های کوچک و مداوم هستند که به بدن کمک می‌کنند مسیر تعادل را دوباره پیدا کند.

### خواب؛ پایه‌ی بازسازی

خواب ناکافی می‌تواند اثر مثبت تغذیه را کاهش دهد. در روزهای پرتنش، تمرکز بر منظم‌تر شدن زمان خواب—حتی بدون افزایش مدت آن—به بدن کمک می‌کند فرآیندهای ترمیمی خود را بهتر انجام دهد و تحمل استرس افزایش یابد.

بیاد داشته باشیم که در روزهایی

نقش حمایتی خوبی داشته باشند. بابونه برای آرام‌سازی، به‌لیمو یا گل‌گاوزبان ملایم برای کاهش تنش، رازیانه یا زنجبیل برای ناراحتی‌های گوارشی و مقدار کم دارچین یا هل برای ایجاد حس گرما، انتخاب‌های مناسبی در این دوره‌ها هستند. گاهی خود مکث کوتاه و نوشیدن یک فنجان نوشیدنی گرم، فرصتی برای آرام شدن سیستم عصبی فراهم می‌کند.

### مراقبت‌هایی فراتر از غذا

تغذیه تنها یکی از ابزارهای حمایت از بدن است. تنفس آرام قبل از غذا، قرار گرفتن در نور طبیعی صبح—حتی برای چند دقیقه—و حرکت ملایم مانند پیاده‌روی کوتاه یا حرکات کششی، می‌توانند به تنظیم سیستم عصبی کمک کنند. این مراقبت‌های کوچک، وقتی به‌طور مداوم انجام شوند، اثر تجمعی قابل‌توجهی دارند.

PRESENTED BY: TACEC Iranian American Cultural & Educational Center

FREE FOOD & SNACKS INCLUDED!

3.14.26  
9 AM - 5 PM

CONNECTED FUTURES: A DIGITAL EDUCATION CONFERENCE

FREE TO REGISTER:

LOCATION:  
Sacramento  
Zoroastrian Association  
10528 Armstrong Ave  
Mather, CA 95655

MORE INFO:  
contact@sacza.org

Blood sugar fluctuations have a direct effect on mood. Low blood sugar often leads to restlessness, anxiety, irritability, or strong cravings for sweets. Many people dismiss these symptoms as purely psychological, but stabilizing blood sugar can have a significant impact on how you feel emotionally. Balancing meals with the right combination of carbohydrates, protein, and fat—even without strict dieting—can help support emotional calm

### Simple, Warm Foods: Comfort Choices

During cold seasons and stressful periods, the body usually responds better to simple, warm foods. Homemade soups, lentils, light stews, cooked vegetables with plant-based proteins or lean meats, paired with easily digestible carbs like whole grains, can be both physically and mentally comforting. Highly processed, greasy, or heavy foods, by contrast, can increase feelings of fatigue and low energy

### Soothing Herbal Teas

Gentle herbal teas can offer supportive comfort. Chamomile helps relax, lemon balm or mild borage can ease tension, fennel or ginger can soothe digestion, and a small amount of cinnamon or cardamom can provide a warming effect. Sometimes, simply pausing to enjoy a warm cup can give your nervous system a chance to settle

### Support Beyond Food

Nutrition is just one tool for supporting the body. Calm breathing before meals, a few minutes of morning sunlight, or gentle movement like a short walk or stretching can all help regulate the nervous system. When practiced consistently, these small acts accumulate and make a meaningful difference

### Sleep: The Foundation of Recovery

Lack of sleep can diminish the positive effects

of nutrition. On stressful days, focusing on a more regular sleep schedule—even without extending sleep duration—helps the body carry out restorative processes and improves resilience to stress

Remember, when external circumstances are beyond our control, the way we support our body and mind can make a real difference. Healthy eating—with an emphasis on stability, simplicity, and self-kindness—is a practical approach to nurturing both body and mind during challenging times. Often, it's these small, consistent acts of care that help the body find its balance again



Maryam Movarej, PhD, MSc .

Functional & Integrative Nutritionist, Herbalist



# Nutrition & Mental Well-Being

## How Can Nutrition and Simple Daily Care Support Stress Management and Mental Health?

These days feel heavier than usual for all of us. Our minds are constantly caught up in bad news, worries about the future, and concerns for our loved ones and our homeland. Over time, this mental fatigue can show up in our sleep, focus, and even appetite. If you've been feeling anxious, irritable, drained, or mentally exhausted lately, .know that you're not alone

Many of these reactions are actually your body and mind's natural responses to prolonged stress and uncertain circumstances. When uncertainty continues, the nervous system stays on high alert, and the body doesn't get enough time to fully relax. Over time, this can quietly affect your mood, physical energy, and overall daily life. In a prolonged stressful state, the body becomes more prone to illness, and recovery from sickness tends to be slower because chronic stress can weaken the .immune system

These mental pressures are often even stronger during the colder months. Shorter days, reduced sunlight, limited movement, and spending more time indoors can all take a toll on mood and increase feelings of fatigue. In such conditions, the body naturally tries to conserve energy, and without the right support, stress can linger in

.various body systems

### Healthy Eating: Support, Not Pressure

In stressful times, the goal isn't to push your body harder—it's to support it as it navigates real-life challenges. When stress is high, the body most needs the signal of "safety." This can be communicated through routine, stability, and .simple but mindful choices

Eating doesn't need to be perfect during these periods; it just needs to be supportive and consistent. Regular meals, enough protein, avoiding extreme restriction of food groups, and staying hydrated can all help reduce the strain on .your nervous system

### Pay Attention to Eating Rhythm

One important aspect of nutrition is maintaining a steady eating rhythm. Skipping meals, eating late, or having irregular meal times can signal insecurity to your body and increase physiological stress. On the other hand, a relatively regular pattern—even if simple—helps the nervous system .stay calmer

Choosing lighter, easy-to-digest meals in the evening can also improve sleep quality and .nighttime relaxation

### Blood Sugar and Mood

Wolfgang Fleischhauer, Raghil Sarhan, Paul Amir, and Farhad Daftary, Shaykh Muhammad Iqbal, and the authors of Medieval History,<sup>2</sup> all of whom trace these depictions to traditions intended to vilify the Nizaris rather than to record events accurately

### Hashish and the Birth of a Slander

In medieval Iran, cannabis, particularly its hashish extract, was a common component of traditional medicine cultivated in many regions, including the Alamut Valley and available in attaris (herbal medicine shops). The Nizari and non-Nizari communities used such remedies for medical purposes. This legitimate practice was later twisted by uninformed or hostile writers, who conflated medicinal use with narcotic indulgence.

When European Crusaders encountered the Nizaris, they circulated hostile tales that cast the Nizari Ismailis as drugged killers intoxicated with hashish, and sent to murder their foes by their leader. These stories worked as propaganda, a way to demonize a disciplined and elusive adversary. Marco Polo later carried this portrayal into Europe, where it lost its original polemical roots and was embedded deeply in the Western imagination. The term hashashin, derived from hashish thus emerged as a slur, reflecting fear and hostility rather than the Nizaris' actual practices. Over time, the legend hardened into language itself, giving rise to the modern word assassin which is the outcome of linguistic evolution and centuries of mythmaking, shaped by propaganda, disingenuous orientalisists, and travelers' tales, rather than an accurate reflection of Nizari life or Hassan Sabbah's character.

\*The largest branch of the Ismaili communities. Ismailis recognize Ismail, son of Jafar Sadegh, as the seventh Imam and the continuation of Imamah through Fatimid Caliph, Nizar ibn al-Mustansir.

1. George Towle, "Marco Polo's Travel in Persia and Turkistan," in Marco Polo: His Travels and Adventures (Boston: Lee and Shepard, 1880).  
-2 Charles E. Nowell, "The Old Man of the Mountain," Speculum 519 – 497 :(1947) 22;  
Wolfgang Fleischhauer, "The Old Man of the Mountain: The Growth of a Legend," Symposium 80 – 79 :(1956) 9; Raghil Sarhan, "Hashish and Assassins," Al-Kulliyah, Winter 1, 1972; Paul Amir, The Lord of Alamut, trans. Zabihollah Mansouri (Tehran: Mohammad Hassan Elmi, – 236 ,(1985 246; Farhad Daftary, The Assassin Legend: Myths of the Isma'ilis (London: I.B. Tauris, 15 – 1 ,(1995; Shaykh Muhammad Iqbal, "Sayyidna Hassan Bin Sabbah," [https://www.alamut.com/subj/ideologies/alamut/iqbal\\_Sabbah.html](https://www.alamut.com/subj/ideologies/alamut/iqbal_Sabbah.html).; and "The Assassins and the Old Man of the Mountain," Medieval History, <https://medievalhistory.info/the-assassins-and-the-old-man-of-the-mountain/>.



Melody Universe

ملودی یونیورس

- Voice & Instruments Lessons for All Ages
- Build Skills, Confidence, and Creativity
- Recurring Student Recitals

P: (916) 758 9730  
E: [info@melodyuniverse.com](mailto:info@melodyuniverse.com)  
A: 2345 El Camino Ave, Suite A, Sacramento, CA 95821

[www.melodyuniverse.com](http://www.melodyuniverse.com)



# Nizari\* Ismailis and the Myth of the Assassin

The modern term assassination is as much the product of myth and misconception as it is of historical reality. Its linguistic and cultural origins are deeply intertwined with the Iranian Nizari Ismaili state (1256-1090) and the legends surrounding its founder, Hassan Sabbah. The image of the Nizaris that lingers today owes much to Marco Polo. Traveling through Iran between 1271 and 1295, Polo visited the Alamut Valley, the ruins of Nizari state, nearly two decades after its destruction.

Polo portrayed the Nizari state as one of “gilded pavilions” and “lofty, glittering palaces.” He claimed that before sending his followers on missions, Sabbah would host them in a fabricated paradise and intoxicated them with wine. He further alleged that Sabbah ruled through fear, taking vengeance on anyone who offended him, and that the Ismailis indulged in hashish, wine, and a life of luxury.<sup>1</sup>

Polo cited no sources. His account almost certainly came from hostile Sunni, Twelver Shia, and Crusader narratives rather than firsthand observation. Hassan Sabbah was a devout theologian and unyielding authoritarian who enforced strict moral discipline, prohibiting

alcohol, use of the mind-altering drugs, and lavish entertainment but he pursued Iran’s liberation from Seljuq and Arab domination. Life in the Nizari fortresses was austere and highly regulated. But the Ismailis did not live in a romanticized enclave of pleasure-seeking assassins.

The Nizari was a besieged religious minority state, surrounded by the Seljuq military forces, a hostile Abbasid caliphate, a dominant Sunni establishment, and antagonism from the Twelver Shia clerics, all of which sought its destruction. Lacking the capacity for conventional warfare, the Nizaris relied on targeted killing of their powerful enemies, including Nizam al-Mulk (1092), the powerful Vazier of the Seljuq empire, the Abbasid Caliph al-Rashid (1138), and the king of Jerusalem, Conrad of Montferrat (1192).

Modern scholarship has shown that Marco Polo’s account reflects polemical and literary traditions shaped by Sunni and Twelver Shia hostility, Crusader animosity, Orientalist embellishment, and traditions intended to vilify the Nizaris rather than to record events accurately. The legend was sustained by hearsay and the long inaccessibility of reliable sources. Scholars who have dismantled much of Polo’s portrayal include: Charles Nowell,



**REDA**  
Refugee Enrichment &  
Development Association



**CalKIDS**

California Kids Investment and  
Development Savings Program

## حساب پس انداز بورسیه رایگان برای آینده تحصیلی اطفال تان

CalKIDS یک پروگرام در ایالت کالیفرنیا است که به خانواده‌ها کمک می‌کند تا برای تحصیلات عالی آینده اطفال شان پس‌انداز کنند.

## همین حالا در پروگرام CALKIDS ثبت نام کنید!

کمک‌هزینه رایگان برای آموزش اطفال تان  
این پول با گذشت زمان افزایش می‌یابد و می‌تواند برای موارد زیر استفاده شود:

- کالج / دانشگاه
- مکاتب مسلکی و یا حرفه‌ای
- برنامه‌های آموزشی مهارتی و شغلی
- وسایل آموزشی مورد نیاز

## پروگرام CALKIDS چیست؟

الی ۱,۵۰۰ دلار کمک در هزینه تحصیلی برای دانش آموزان  
واجد شرایط کالیفرنیا (بین صنوف اول الی دوازدهم)

الی ۱۷۵ دلار کمک در هزینه تحصیلی برای نوزادان کالیفرنیا

حساب خود را به صورت آنلاین ببینید و مدیریت کنید  
باز کردن و داشتن این حساب کاملاً رایگان است

برای ثبت نام اینجا را اسکن کنید  
سازمان رضا

3425 Arden Way,  
Sacramento, CA, 95825

<https://redacenter.org>



امتیازات بیشتر  
ر صورت انجام چند مرحله ساده اضافی توسط خانواده‌ها،  
مبالغ تشویقی نیز به حساب اضافه می‌شود

# با به پیشواز رفتنِ نوروز و سورِ آتش به مدت سه روز (۱۵ تا ۱۷ مارس) نگهدارِ رسم و فرهنگِ نیاکانمان باشیم



**ورود برای همگان رایگان و آزاد است**

برای رزرو غرفه های تجاری و فروش محصولات  
و معرفی سرویس یا کالاهای خود با ما تماس بگیرید

info@radiobamdad.com | 916.918.3098





# یاسی کیترینگ

با طعم غذا خاطره بسازید



## CATERING

تجربه‌ای فراموش نشدنی از طعم  
اصیل و دلچسب غذاهای ایرانی  
و افغانی

آماده پذیرایی از مهمانان شما  
در مجالس و مناسبت‌ها



تلفن تماس: 3171-209(916)

نشانی: 13405 Folsom Blvd #910, Folsom, CA 95630

